نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال سیزدهم – شماره۵۸۸ – یک شنبه ٦ تیر ماه ۱۳۸۹ – ۸ صفحه – ۲۵۰ تومان

کنگانی مدیر عامل شاهین:

به شدت از استیلی حمایت خواهم کرد



صفحه۸

باخت دوباره اصولگرایان بوشهر در انتصاب استاندار

صفحه۳

انتصاب استاندار غیر بومی دیگری برای استان بوشهر بدون توجه و اهمیت به نظر اصولگرایان بوشهر را باید باختی دیگر برای اصولگرایان بوشهری دانست که شاید باید توقعاتشان را برای مشارکت در انتصاب مدیران، در حد بخشداری و دهداری پایین بیاورند.



هیئت دولت منتظر موافقت نمایندگان بوشهر نماند

صفحه۲

نماینده دشتستان، از رضایت به انتصاب استاندار تا اعتراض به تغییر بخشدار

صفحه۵

سفیر سعدی، جام جهان نمای مولوی و صد صراحی حافظ!



حماسه ی حق پرست

صفحه٤

تروریست خوب، تروریست بد؟!



حبیب احمدزاده

صفحه ۳

فلات قاره بجای بوشهر در کرج یا شیراز؟



محمد آتیار

صفحه۵



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از مردم بوشهر:

مهمترین عیدی در این روز بزرگ، درس گرفتن از راه و روش، رفتار و گفتار حضرت علی (ع) است

لنج های عامری دلوار در چنگال آتش





نیروی جوانی، هنر ایرانی، اندیشه جهانی

گفتگو با مدیرعامل شرکت پی ریزان کیارش: مهندس کیارش ایراندوست

برای این که در بخش مسکن قدمی هر چند کوچک ولی اساسی برداشته شود، پیشنهاد می کنم که، هدفمان را بدانیم، راه رسیدن به آن را بشناسیم، دست به عمل بزنیم و بدانیم که به چه نتایجی در چه مراحلی و در طی چه زمانی دست خواهیم یافت و قدرت انعطاف و تغییر پذیری داشته باشیم تا به موفقیت برسیم.

(صفحه ٦)

دو سال پر اندوه از کوچ ناباورانه فرهیخته و وارسته زنده یاد

سیدمحمدرضا مهیمنی

گذشت. شایسته پدری که حضورش آرامش، سایه اش پناه و خاطره ی محبت هایش به یادماندنی است. بر خود می بالیم که نام پر افتخارش را به همراه داریم.

روحش شاد یادش گرامی

از طرف همسر و فرزندان

ای شهروند به خود احترام بگذار چون دیگران

از تو تقلید خواهند کرد

موسسه فرهنگی ورزشی شهرداری بندر بوشهر

جناب آقای ابوالفضل اکبرپور

انتخاب شایسته جنابعالی را به عنوان ناظر محترم گمرکات استان و مدیر کل گمرک بوشهر تبریک عرض نموده و از خداوند منان توفیق مستدام شما را خواستاریم.

اتاق بازرگانی و صنایع و معادن بندر بوشهر

جناب آقای علی دشتیاری زاده

خانواده محترم دشتیاری زاده

درگذشت غم انگیز شادروان زائرحسن دشتیاری زاده را به شما و بازماندگان تسلیت عرض می نمائیم.

(خانواده های قیصی زاده، زنگوئی، گچی زاده،نصوری؛ انصاری)



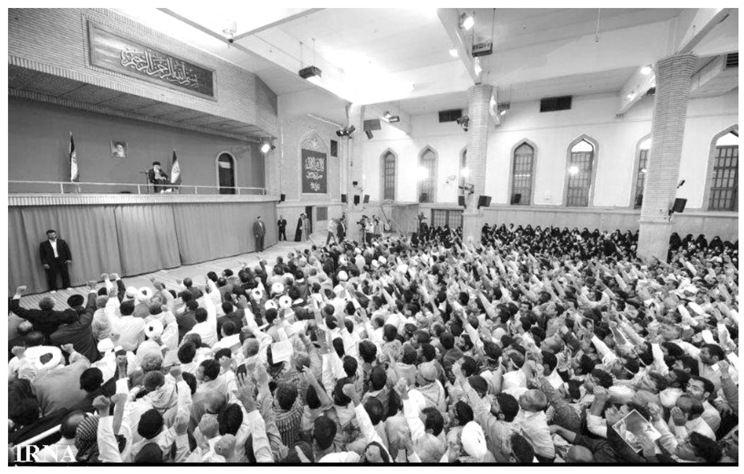
آرمین شمسی

کلاس اول شاگرد ممتاز دبستان ابن سینا عالیشهر

با تشکر از آموزگار هادی احمدی و مدیر خانم کوه بر جفره

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جمعی از مردم بوشهر:

مهمترین عیدی در این روز بزرگ، درس گرفتن از راه و روش، رفتار و گفتار حضرت علی (ع) است



ایرنا: در خجسته سالروز میلاد حضرت علی علیه السلام، حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمع زیادی از مردم استان بوشهر، شخصیت امیرالمومنین، علی بن ابیطالب علیه السلام را یک شخصیت استثنایی و قله عظمت علمی، معنوی، اخلاقی، انسانی و الهی خواندند و تأکید کردند: مهمترین درس از زندگی آن شخصیت بی نظیرِ تاریخ بشر، برای امروز دنیای اسلام و جامعه، بصیرت بخشی، روشن کردن فضا و عمق دادن به ایمان و اندیشه کسانی است که نیازمند بصیرت هستند.

رهبر انقلاب اسلامی ضمن تبریک سیزدهم رجب سالروز میلاد مولی الموحدین حضرت علی علیه السلام، این روز را عید بزرگی دانستند و با اشاره به عظمت شخصیت حضرت علی علیه السلام افزودند: مهمترین عیدی در این روز بزرگ، درس گرفتن از راه و روش، رفتار و گفتار آن حضرت است.

حضرت آیت الله خامنه ای، زندگی حضرت علی (ع) را سراسر جهاد، صبر برای خدا، معرفت، بصیرت و حرکت در راه رضای الهی برشمردند و خاطرنشان کردند: این شخصیت بی نظیر که از دوران کودکی در کنار پیامبر اسلام (ص) رشد و نمو کردند و تربیت یافتند، در مقاطع مختلف حیات شریف خود برای اقامه حق و حفظ اسلام تلاش و پیامبر اسلام (ص)، آن حضرت را میزان حق معرفی کردند.

ایشان برترین خصلت حضرت علی علیه السلام را بصیرت بخشی به افراد نیازمند بصیرت دانستند و تأکید کردند: روشن کردن افکار عمومی و آگاهی بخشی، امروز یکی از نیازهای اصلی دنیای اسلام و جامعه است زیرا دشمنان برای مقابله با اسلام، با ابزارهای دین و اخلاق وارد شده اند که باید کاملاً هوشیار بود.

حضرت آیت الله خامنه ای در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تاریخ افتخارآمیز بوشهر و نقش آفرینی علمای فرزانه و صاحب نام و چهره های مبارز این منطقه افزودند: نام سردار مؤمن و شجاع، شهید رییس علی دلواری از نام هایی است که همیشه دلهای انسانهای مؤمن را در سراسر کشور به خود جلب کرده است.

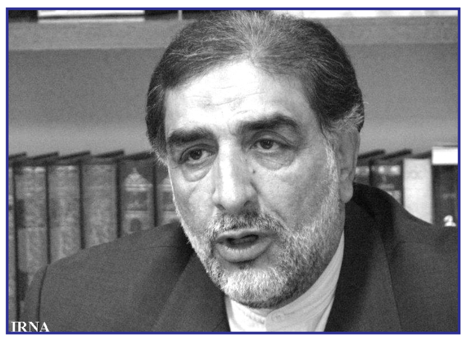
ایشان با یادآوری مظلومیت و تنهایی شهید رییس علی دلواری در مقابله با قدرت استعماری انگلیس خاطرنشان کردند: البته شرایط کنونی با آن دوران بسیار متفاوت است و امروز در سراسر کشور جوانهای مؤمن، فداکار و بسیجی بیشماری در عرصه نبرد نظامی، فرهنگی و سیاسی حضور دارند، و یقیناً جوانان بوشهری نیز بخشی از این خیل عظیم هستند.

رهبر انقلاب اسلامی تأکید کردند: آن روزگاری که قدرتهای استعماری، آزادانه ملتها را تهدید و تحقیر می کردند، سپری شده است و اکنون ملت ایران در دنیا به عنوان ملتی مقتدر شناخته شده است.

در ابتدای این دیدار، حجت الاسلام والمسلمین صفایی بوشهری نماینده ولی فقیه و امام جمعه بوشهر ضمن تبریک سالروز میلاد حضرت علی علیه السلام با اشاره به نقش علمای برجسته و مبارزان بوشهر در مقابله با استعمارگران متجاوز گفت: مردم بوشهر همچون همیشه که در خط اول مبارزه با دشمنان و متجاوزان بوده اند، اکنون نیز با بصیرت و عشق به ولایت آماده جانفشانی در راه انقلاب اسلامی هستند.

وی همچنین با اشاره به موقعیت حساس و ویژه استان بوشهر در سواحل خلیج فارس و زمینه های ممتاز کشاورزی، شیلات و صنعت انرژی آن، افزود: با برنامه ریزی که در چارچوب سند چشم انداز برای استان بوشهر شده است، امید می رود با استفاده از ظرفیت های این منطقه، بوشهر به استانی پیشرفته، دینی و الگو در جغرافیای ملی و فراملی تبدیل شود.

هیئت دولت منتظر موافقت نمایندگان بوشهر نماند



رییس مجمع نمایندگان استان بوشهر از بی توجهی دولت به نظر نمایندگان و مسئولان ارشد استان بوشهر در انتصاب استاندار جدید بوشهر خبر داد. وی در مصاحبه با خلیج فارس اظهار داشت: یک روز قبل از جلسه هیات دولت، بحث انتصاب جهانبخش به عنوان استاندار جدید بوشهر توسط وزارت کشور به اطلاع نمایندگان رسانده شد، اما ما روی انتصاب گزینه ای بومی اصرار داشتیم، ولی در نهایت دولت روی حرفهای گذشته اش مبنی بر اینکه غیر از چند استان مثل فارس و هرمزگان دیگر تمایلی برای استفاده از نیروهای بومی برای استانداری ندارد، اصرار ورزید. «غلامعلی میگلی نژاد» افزود: با درخواست معاون وزیر کشور، استاندار جدید بوشهر صبح چهارشنبه در جلسه مجمع نمایندگان استان حضور یافت و درباره سوابق خود توضیحاتی داد، اما ما گفتیم باید آیت ا... صفایی امام جمعه بوشهر نیز در این باره نظر دهد و پس از تماس با ایشان، قرار شد آیت الله صفایی پس از بررسی پاسخ دهند؛ اما چند ساعت بعد توسط هیأت دولت استاندار جدید بوشهر منصوب شد. میگلی نژاد درباره استاندار جدید بوشهر بیان کرد: سوابق مدیریتی و آشنایی جهان بخش با وزارت کشور و هیأت دولت می تواند کارنامه اش را سنگین تر نشان دهد، ضمن اینکه نمایندگان خراسان شمالی نیز درباره او نظر مثبتی داشتند و باید منتظر برنامه و ایده هایش برای استان بود.

نماینده بوشهر، گناوه و دیلم ابراز امیدواری کرد: اگر استاندار جدید با نمایندگان، روحانیت و نخبگان استان تعامل داشته باشد برای رسیدن به اهدف توسعه موفق تر خواهیم بود.

اخراج ۱۲۰کارگر از پتروشیمی مبین

جویا نیوز: ۱۲۰ نفر از نیروهای شاغل در پتروشیمی مبین واقع در عسلویه نسبت به جلوگیری از راهیابی به محل کارخود توسط مسئولان شرکتی اعتراض کردند این افراد که در بین آنها تعدادی مهندس نیز حضور داشتند ، ضمن تجمع در محل واحد اشتغال سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس خواستار پیگیری حقوق قانونی خود شدندبه گفته یکی از این معترضین ، اعتراض به نحوه عقد قرار داد با پیمانکار جدید این شرکت پتروشیمی باعث شد تا کارفرما عدم نیاز بخشی از نیروهای خود را اعلام کند و مانع از حضور این افراد در محل کار خود شوند.به گفته این تکنسین، در قرارداد جدید حقوق و مزایا به نحو چشمگیری کاهش یافته است .به همین دلیل و در پی اعتراض آنها همچنین در جهت ساماندهی حقوق افراد ، مسئولان شرکتی اقدام به تعدیل نیروهای خود نمودند که این امر واکنش نیروهای اخراجی را بدنبال داشت.

پورفاطمی: شناخت استاندار جدید از بوشهر چند ساعت قبل از انتصابش بوده است

نماینده دشتی و تنگستان در مجلس شورای اسلامی گفت: در حالی که نظرخواهی وزارت کشور و دولت از نمایندگان، ائمه جمعه و نمایندگان ولی فقیه در استان و مجلس خبرگان می تواند به وحد و هماهنگی بیشتری منجر شود، اما دولت چندان به این مشورت ها و هماهنگی ها اعتقادی ندارد. سید محمد مهدی پورفاطمی در مصاحبه با خبرگزاری خلیج فارس افزود: دولت بدون مشورت با شخصیت های نام برده شده نظر خودش را درباره استاندار جدید اعلام کرده و معتقد است دیگر ضرورتی برای انتخاب استاندار بومی در بوشهر نیست، هرچند استانداران پیشین یعنی تبادار و افراشته بومی بوده و نگاه بهتری در استان درباره شان وجود داشت. پورفاطمی درباره جهان بخش استاندار جدید می گوید: صبح چهارشنبه به درخواست معاونت وزارت کشور، دیدار ۱۰ دقیقه ای نمایندگان استان و استاندار جدید برگزار و مواردی کلی در حد سوابق ایشان بازگو شد، اما براساس سخنان خودشان، اطلاعات ایشان از بوشهر مربوط به همان مطالعات چند ساعت قبل از انتصاب شان به استانداری است. پورفاطمی افزود: در حالی که نیروهایی بومی توانمندی که در جریان فکری دولت هستند و برای تصدی استانداری معرفی شده اند، انتخاب گزینه ای غیربومی را اجحاف در حق توان مدیریت استان می دانم. وی خاطرنشان کرد: امیدواریم استاندار جدید با برنامه باشد و برای رسیدن به اهداف توسعه ای با ائمه جمعه، نمایندگان، نخبگان تعامل داشته باشد، ضمن اینکه نمایندگان استان نیز هرچند از بی توجهی دولت برای انتصاب استاندار بومی گلایه دارند ولی منافع استان اقتضا می کند که با مدیریت ارشد استان تا آن زمان که او بخواهد تعامل و ارتباط وجود داشته باشد.

فرصت استثنایی اشتغال در استان

میگلی نژاد : متقاضیان کار به دفاترم مراجعه کنند



رییس مجمع نمایندگان استان بوشهر گفت : با توجه به دستور سریع و صریح وزیر محترم نفت و فرمانده محترم قررگاه خاتم الانبیاء مبنی بر بکارگیری نیروهای جویای کار در فرصت های شغلی ایجاد شده با اولویت نیروهای بومی و اعلام سپردن کارهای عمرانی در استان به پیمانکاران بومی ، اعلام می گردد تمامی هم استانی های عزیز جویای کار تا پایان هفته جاری بمنظور تهیه لیست و جذب متقاضیان محترم در فرصت های شغلی موجود ، به دفاتر ارتباط مردمی اینجانب مستقر در شهرستان های بوشهر ، گناوه، دیلم و خارگ مراجعه نمایند .

از دیگر شرکت های مستقر در استان نیز همین انتظار می باشد که از نیروهای بومی در پروژه های کاری خود استفاده نمایند. در نهایت از توجه ویژه وزیر محترم نفت جناب آقای دکتر میرکاظمی و سردار قاسمی فرمانده محترم قرارگاه خاتم الانبیاء تشکر می نمایم.

تعیین تکلیف هلیله و بندرگاه در کمیسیون امنیت ملی

رییس مجمع نمایندگان استان بوشهر بنابر دعوت کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی جهت استماع پاسخ وزیر کشور که جهت ارائه توضیحات به سوال میگلی نژاد در این کمیسیون حاضر می شود به این کمیسیون می رود .

موضوع سوال میگلی نژاد از محمد نجار ، توجه به وضعیت نابهنجار ساکنین دو روستای هلیله و بندرگاه و تاکید هر چه بیشتر بر رفع مزاحمت و محدودیت های اعمال شده و غیر ضرور عنوان شده است.

گفتنی است در همین رابطه به دعوت کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی ، معاونان سیاسی و امنیتی وزیر کشور ، استاندار بوشهر و رییس سازمان انرژی اتمی ایران جهت بررسی و تعیین تکلیف دو روستای هلیله و بندرگاه شهرستان بوشهر در محل این کمیسیون گردهم می آیند .

برای بررسی وضعیت برق:

هیئتی از وزارت نیرو به بوشهر اعزام می شود

میگلی نژاد در خصوص حضور وزرای نیرو و کشور در کمیسیون ها گفت : در پی برنامه از پیش تعیین شده و سوال از وزیر نیرو در محل کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی ، دکتر نامجو در محل کمیسیون حاضر شده و به سوال مطرح شده در ارتباط با نارضایتی موکلین اینجانب از خدمات اداره برق پاسخ گفت .

پس از استماع پاسخ وزیر ، بدلیل موجه ندانستن آن اعلام قانع نشدن کردم که در ادامه دکتر کاتوزیان رییس کمیسیون انرژی مجلس و جناب وزیر نیرو درخواست فرصتی ۱۰ روزه جهت اعزام هیئتی از وزارت نیرو به استان را داشتند تا به مسائل و مشکلات مردم شریف استان بوشهر در خصوص گلایه از عملکرد وزارت نیرو در استان بررسی لازم و رسیدگی انجام دهند که طبق قانون در صورت عدم رضایت شهروندان ، سوال برای طرح و تصمیم گیری نهایی به صحن علنی مجلس ارجاع داده می شود.

همچنین در دیگر جلسه در محل کمیسیون داخلی و شوراها موضوع مشکلات ساکنین شریف دو روستای هلیله و بندرگاه مطرح شد که پس از بحث و تبادل نظر چون به جمع بندی نهایی نرسیدیم مقرر گردید که اینجانب به اتفاق نماینده کمیسیون شوراها آقای دکتر بادامچیان و آقای دکتر جلیلی دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی نشستی در این خصوص داشته و پیرامون ابقاء دو روستای هلیله و بندرگاه در مکان فعلی و یا انتقالشان به نقطه دیگر تصمیم گیری کرده و تصمیمات لازم اتخاذ و نتیجه را به کمیسیون اعلام کنیم .

لنج های عامری دلوار در چنگال آتش

آتش سوزی وسیع در اسکله عامری دلوار، ۲۶ شناور صیادی و تجاری را بکلی از بین برد یا دچار خسارت نمود.در این حادثه ۱۷ موتور لنج باری و صیادی به طور کامل از بین رفت و ۹ موتور لنج نیز با درصد های متفاوت خسارت دیدند.

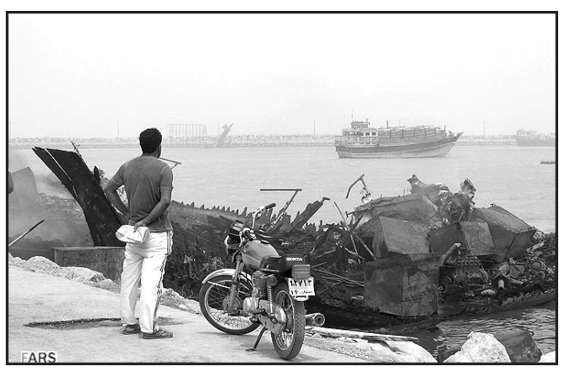
این آتش سوزی که در نیمه شب رخ داد، باعث خسارات بسیاری زیادی گردید. پس از شروع آتش سوزی، مردم محلی سعی در خاموش نمودن آتش نمودند و پس از آن در تماس با ستاد مدیریت بحران استان ، اکیپ های از آتش نشانی شهرداری بوشهر، سازمان بنادر استان و نیروهای نظامی برای پایان دادن به حریق روانه اسلکه عامری شدند.



کشتکار مدیر دفتر مدیریت بحران استان بوشهر ضمن تایید این مطلب، عدم تماس به موقع را یکی از دلایل آسیب دیدگی زیاد این ماجرا دانست و گفت: با حضور اکیپ های آتش نشانی از شهر بوشهر این حادثه در ساعت ۷:۳۰ صبح کنترل شد؛ هرچند خسارت ها گسترده بوده است.

برای بررسی این موضع کارگروهی با حضور شیلات، بنادر و دریانوردی و ستاد حوادث غیرمترقبه استان بوشهر به ریاست معاونت برنامه ریزی استانداری تشکیل تا در اسرع وقت میزان خسارت وارد شده ناشی از این حادثه را تعیین کنند. همچنین این کارگروه با انجام کارشناسی های لازم از محل اعتبارات عمرانی، اعتباری برای پاکسازی محیط و منطقه اختصاص دهد.

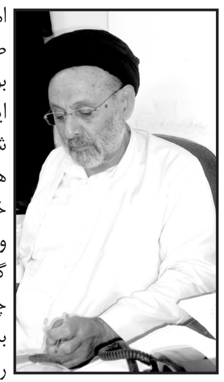
یکی از دلایل گسترده شدن خسارات نبود اطفای استاندارد حریق در بندر عامری بوده است که بعد از این آتش سوزی مقرر شده شیلات و بنادر و دریانوردی ظرف یک ماه یک طرح استاندارد اطفای حریق ارایه دهند تا از محل اعتبارات استانی برای خرید یک دستگاه اطفای حریق استاندارد و استقرار آن در بندر عامری اقدام شود.



اخلاق آسمانی

اخلاق نیکو

آیت الله سید مصطفی حسینی



امام باقر (ع) فرمود: چهار صفت است که چون در کسی بود، اسلامش کامل باشد و بر ایمانش (از جانب خدا) یاری شود و گناهانش پاک گردد و هنگام مرگ، خدای را از خود خوشنود یابد، و اگر سراپای وجودش گناه باشد خداوند گناهانش را محو سازد ، و آن چهار عبارتند از: وفا نمودن به تعهداتی که با خدا دارد، و راستی و صداقت با مردم ، و شرم و حیا از آنچه که نزد خدا و مردم قبیح است، و اخلاق نیکو با خانواده و مردم.

امام صادق (ع) فرمود: خلق و خوی (نیک) آدمی به دو گونه است: یکی تصمیمی و کسبی و دیگری ذاتی. عرض شد کدامیک بهتر است؟ فرمود: تصمیمی و کسبی، زیرا آنکه خلق نیکو ذاتی او باشد، جز آن را نتواند ولی کسی که به اخلاق نیک تصمیم میگیرد چنین کسی اطاعت و بندگی خدا را با شکیبائی انجام میدهد. (بحار:۱ و ۷۱ و ۷۳ و ۶۲ و ۷۰ و ۷۵ و ۱۶ و ۷۸ و ۱۰)

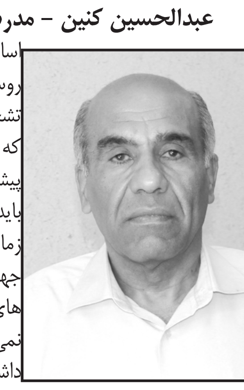
امیرالمؤمنین (ع) فرمود: سبحان الله! چه بی رغبتند بیشتر مردم در کار خیر!؟ شگفت از آن کسی که برادر مسلمانش به وی عرض نیاز میکند و او خود را شایسته انجام آن نمییابد، گیرم که او به پاداش خدائی امیدوار و از عقوبت پروردگار بیمناک نبود، شایسته میبود که خود را به اخلاق نیک می آراست و بدان می شتافت.

مردی که این سخن را از حضرت شنید عرض کرد: پدر و مادرم بفدایت این را از پیغمبر (ص) شنیدی؟ فرمود: آری و عجبتر از آن اینکه هنگامی که اسرای قبیله طی را نزد پیغمبر (ص) آوردند. دختر حاتم که به زیور جمال و کمال آراسته بود به حضرت عرض کرد: اگر صلاح بدانید مرا آزاد سازید تا مورد سرزنش قبایل عرب قرار نگیرم زیرا پدر من کسی بوده که بی پناهان را پناه میداده و اسیران را آزاد می ساخته و گرسنه را سیر می نموده و برهنه را میپوشانده، و از مهمانان بشایستگی پذیرائی میکرده و اطعام طعام و افشای سلام مینموده و هیچگاه حاجتمندی را رد نکرده، من دختر حاتمم.

پیغمبر (ص) چون این سخنان را از او شنید فرمود: ای دختر آنچه تو گفتی صفات مؤمنان حقیقی است ... حال که چنین است او را رها سازید که پدرش اخلاق نیکو را دوست میداشته. سپس فرمود: سوگند به آنکه جانم به دست او است که کسی به بهشت نرود جز به اخلاق نیک . (کنزالعمال:۶۶۳/۳)

اهمیت برنامه ریزی روستایی در توسعه استان بوشهر

عبدالحسین کنین – مدرس دانشگاه



اساس برنامه ریزی روستایی، عبارت است از تشخیص و تعیین اموری که در جهت توسعه و پیشرفت مناطق روستایی باید انجام پذیرد و تعیین زمان انجام این امور جهت دستیابی به هدف های مشخص. امروزه نمی توان به شهرها توجه داشت و به ارایه راه حل های مناسب برای رفع مشکلات و نواقص آن ها پرداخت، بدون آن که به محیط اطرافشان و حوزه های نفوذی متقابل بین شهر و روستا توجه داشته باشیم.

اصولا در هر برنامه ریزی چه شهری و چه روستایی اگر این دو اصل عمده مد نظر قر ار گیرد برنامه ریزی می تواند موفق باشد، یکی برنامه ریزی برای مردم و دیگری برنامه ریزی با مردم. حال اگر قرار است توسعه انجام گیرد و خود مستمر و به اصطلاح پایدار باشد باید به طور اعم از مناطق روستایی و به طور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود.

به احتمال زیاد امروزه بیش از ۲۰۰ روستای استان بوشهر دارای طرح هادی روستایی هستند که اجرای این طرح ها در حقیقت در جهت تجدید حیات و هدایت روستا با لحاظ ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی است.

نکته مهم در طراحی توسعه روستاهای استان بوشهر نارسایی های وجود دارد که شاید برگرفته از یک الگوی متمرکز و از پیش طراحی شده، بدون در نظر گرفتن مسایل جغرافیایی و اقلیمی و بافت جمعیتی و فرهنگی است در حالی که برنامه ریزی ها باید بر اساس طرح پایه آمایش سرزمین باشد و هر روستایی با توجه به خصوصیات و توانمندی و پتانسیل و ویژگی های خودش و حوزه نفوذش برنامه ریزی شود.

نمودارها آلودگی هوا در بوشهر چه می گویند؟

سعید سیفی بوشهری

در میدان امام بوشهر یک ایستگاه ثابت سنجش آلودگی هوا نصب شده که به صورت شبانه روزی وضعیت جوی را ثبت می کند و به رهگذران نشان می دهد اما این روزها نمودارهای این تابلو وضعیت نگران کننده ای را نمایش می دهند بطوریکه در برخی روزها از رنگ بنفش و سیاه برای نشان دادن وضعیت خطرناک آلودگی هوا که در اثر گرد و غبار شدیدی که در آسمان بوشهر وجود دارد استفاده می کند .

از آنجا که استنشاق هوای آلوده به ذرات معلق و گرد و غبار سبب نفوذ ذرات ریز به دستگاه های تنفسی و اختلال در ضربان قلب می شود، شایسته است که اداره ی محیط زیست بوشهر از حالت انفعالی خود خارج شده و به شکل نمادین هم که شده برای جلوگیری از تبعات آلودگی هوا بر دستگاه قلب و عروق بوشهری ها در زیر این تابلو اقدام به توزیع رایگان ماسک های مخصوص کند زیرا دسترسی آحاد جامعه به این ماسک ها امکان پذیر نیست و مسئولان باید در چنین مواقعی با توزیع رایگان ماسک زیان های وارده بر سلامتی مردم را کاهش دهند .

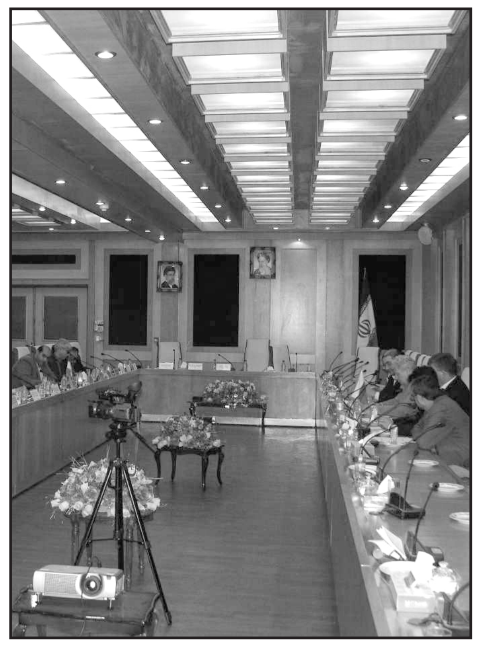
باخت دوباره اصولگرایان بوشهر در انتصاب استاندار

محمد مهدی بوشهری

سومین استاندار دولت اصولگرای احمدی نژاد، در بی توجهی کامل نسبت به نظر مسئولان و نمایندگان و اصولگرایان بوشهر، به استانداری بوشهر منصوب شد. قبل از این نیز دولت اصولگرا در بی توجهی به نظر اصولگرایان استان، استاندار برکنار شده مازندران را به بوشهر فرستاده بود و اینبار نیز استاندار خراسان شمالی را بدون توجه به نظر اصولگرایان بوشهر روانه استان نمود تا اندازه و توجه دولت اصولگرا را به حامیان دو آتشه خود در بوشهر به نمایش بگذارد و از آنان فقط حمایت و هواداری صرف، بدون حق دخالت در مهم ترین تصمیم گیری مدیریتی استان را طلب نماید.

شاید برای اولین باری که گروههای فعال در استان بوشهر، خواستار مشارکت جدی در تصمیم گیری انتصاب استاندار بوشهر شدند در زمان دولت اصلاح طلب خاتمی بود. در آن زمان و پس از انتصاب انصاری لاری استاندار وقت بوشهر به سمت استانداری فارس, گروههای اصلاح طلب در یک مشارکت مدنی بر روی یکی از نیروهای توانمند و مدیری موفق، یعنی مهندس تبادار توافق نمودند. گروههای اصلاح طلب با همکاری شورای شهر بوشهر و نمایندگان استان بوشهر، با معرفی مهندس تبادار به وزارت کشور و پیگیری های انجام داده، نظر موافق وزارت کشور را که خود کاندیداهای غیر بومی دیگری برای استانداری بوشهر داشت، را جلب نمودند تا پرونده تبادار برای بررسی به هئیت دولت برود و خاتمی نیز پس از اطلاع از درخواست مردم بوشهر برای انتصاب یک نیروی بومی و اجماعی که بر روی مهندس تبادار ایجاد شده بود به نظر مردم بوشهر احترام گذاشت و وی را به استانداری بوشهر منصوب نمود. مهندس تبادار نیز به این اعتماد گسترده مردم بوشهر؛ وزیر کشور و رئیس جمهور محبوب ایران، تکیه نمود و با مدیریت درخشان و با برنامه خود توانست دوران درخشان مدیریت اصلاح طلبان را در بوشهر رقم بزند که به راستی برگی درخشان در زمینه عمران و آبادی و توسعه استان بوشهر است.

بعد از آن و در دولت اصولگرای احمدی نژاد، مردم استان در



انتصاب استاندار غیر بومی دیگری برای استان بوشهر بدون توجه و اهمیت به نظر اصولگرایان بوشهر را باید باختی دیگر برای اصولگرایان بوشهری دانست که شاید باید توقعاتشان را برای مشارکت در انتصاب مدیران، در حد بخشداری و دهداری پایین بیاورند

بهت تغییر جناحی موفق ترین استاندار تاریخ بوشهر بودند که عطارزاده نماینده وقت بوشهر توانست افراشته استاندار مورد نظر خود را به بوشهر بیاورد. نیروی بومی که در زمان استانداری خود تلاش نمود تا با تعصب بومی و شناخت استانی، قدمهایی برای توسعه استان بوشهر بردارد اما به زودی در درگیری شدید درون گروهی گرفتار تمامیت خواهی نماینده اصولگرای بوشهر شد و در دام نماینده ای افتاد که استاندار را رئیس دفتری برای خود می خواست و افراشته در تقابل با این دیدگاه، توانی را که باید صرف توسعه استان می کرد در مقابل ترفندها و رایزنی ها و تهمت و توهین هایی قرار داد که برای برکناریش نقشه ها می کشیدند. در جنگ نماینده اصولگرا و استاندار اصولگرا، بازنده استان بوشهر بود که نتوانست بخوبی از درآمدهای هنگفت نفتی برای توسعه بهره ببرد و عقب افتاد.

بعد از آن دیگر مرکز تصمیم گیری در خصوص مهم ترین پست مدیریتی استان بوشهر از استان خارج و به تهران منتقل گردید و استانداری که به دلیل ضعف مدیریتی از مازندران کنار گذاشته شده بود، بدون توجه به نظرات اصولگرایان بوشهر، به استان بوشهر فرستاده شد تا همانند مازندران مدیریتی ضعیف را از خود در بوشهر به نمایش بگذارد بطوری که یکی از نشریات بوشهر وی را ضعیف ترین استاندار تاریخ بوشهر لقب داد.

اکنون و پس از ناچاری دولت به تغییر شفقت، اصولگرایان استان بوشهر انتظار داشتند تا این بار دولت اصولگرا به نظر آنان توجه نماید و حداقل به یک استاندار بومی اصولگرا رضایت دهد تا بتوانند در مقابل دوران مدیریت اصلاح طلبان، آنان نیز استاندار بومی خود را داشته باشند و با روحیه مشارکت پذیری و تعصب مدنی به حمایت های پرشورتر از دولت اصولگرا بپردازند، اما اینبار نیز دولت اصولگرا ترجیح داد تا یاران و طرفداران خود را در بوشهر نادیده بگیرد و حتا به حداقل انتظار آنان که انتصاب یک نیروی بومی بود بی توجه باشد و همانطور که میگلی نژاد گفته است، حتا زحمت هماهنگی های لازم را نیز با نمایندگان و مسئولان مربوطه در بوشهر به خود ندهد و نیروی خود را از خراسان شمالی به بوشهر بفرستد.

انتصاب استاندار غیر بومی دیگری برای استان بوشهر را باید باختی دیگر برای اصولگرایان بوشهری دانست که شاید باید توقعاتشان را برای مشارکت در انتصاب مدیران، در حد بخشداری و دهداری پایین بیاورند.

تروریست خوب، تروریست بد؟!

حبیب احمدزاده



حبیب احمدزاده که خیلی ها او را با نامه ای که به ویل راجرز؛ فرمانده ناو امریکایی که هواپیمای مسافربری ایران را سرنگون کرد،نوشت، می شناسند و بسیاری از صلح طلبان جهان ، بویژه صلح طلبان امریکایی با او در ارتباط هستند سه ماه پیش، بعد از دستگیری عبدالمالک ریگی ؛سرکرده گروه تروریستی جندالله نامه ای خطاب به صلح طلبان جهان نوشته شده است که در زیر متن فارسی این نامه می آید:

می گویند زمانی که در دهه۵۰ میلادی قرار بود دادگاه لاهه برای رسیدگی به دعاوی انگلیس درماجرای ملی شدن صنعت نفت ایران بر علیه دولت نخست وزیر وقت ایران مرحوم مصدق تشکیل جلسه دهد، دکتر مصدق با هیات همراه زودتر از موقع از هتل به محل رفت. در حالی که پیشاپیش جای نشستن همه ی هیاتهای شرکت کننده تعیین شده بود، دکتر مصدق رفت و به جای محل صندلی نمایندگی هیات ایران روی صندلی مخصوص نماینده انگلستان نشست.

قبل از شروع جلسه ، یکی دو بار به دکتر مصدق گفتند که اینجا برای نماینده هیات انگلیسی در نظر گرفته شده و جای شما آن جاست، اما پیرمرد توجهی نکرد و روی همان صندلی نشست.

جلسه داشت شروع می شد و نماینده هیات انگلیس روبروی دکتر مصدق منتظر ایستاده بود تا بلکه بلند شود و روی صندلی خویش بنشیند، اما پیرمرداصلاً نگاهش هم نمی کرد.

جلسه شروع شد و قاضی رسیدگی کننده به مصدق رو کرد و گفت که شما جای نماینده انگلستان نشسته اید، جای شما آن جاست.

کم کم ماجرا داشت پیچیده می شد و بیخ پیدا میکرد که مصدق بالاخره به صدا در آمد و گفت: شما فکر می کنید نمی دانیم صندلی ما کجاست و صندلی نماینده هیات انگلیس کدام است؟ نه جناب رییس ، خوب می دانیم جایمان کدام است. سال های سال است دولت انگلستان در سرزمین ما خیمه زده و کم کم یادشان رفته که جایشان این جا نیست و ایران سرزمین آبا و اجدادی ماست نه سرزمین آنان... اما علت اینکه چند دقیقه ای روی صندلی دوستان نشستم به خاطر این بود تا دوستان بدانند برجای دیگران نشستن یعنی چه؟

سکوتی عمیق فضای دادگاه را احاطه کرده بود و دکتر مصدق بعد از پایان سخنانش کمی سکوت کرد و آرام بلند شد و به روی صندلی خویش قرار گرفت.

دستگیری عبدالمالک ریگی بی شباهت به این ماجرا نیست. او بن لادن ما ایرانیان بود. همانطور که القاعده تنها برای ایجاد رعب و وحشت از هر روشی جنایتکارانه استفاده مینمود تا به بهانه آزادی از زیر یوغ دیگران سرها ببرد و خانواده ها را سوگوار کند.

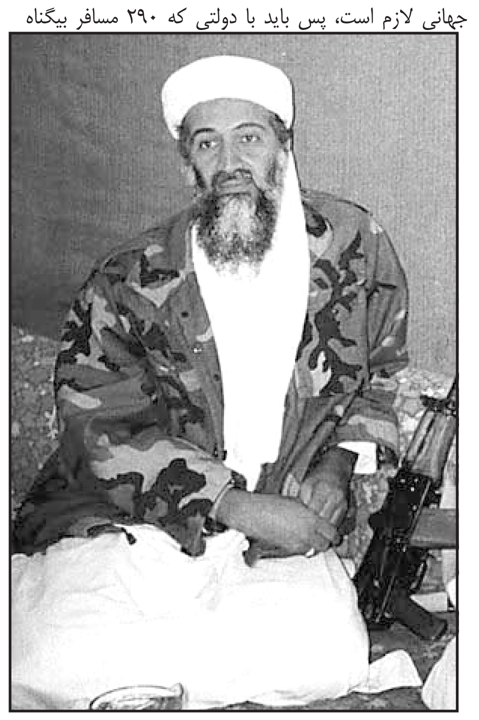
ولی براستی چرا دولتهای غربی اینگونه مواضع دو گانه در برابر مسائل دارند؟ بن لادن در اوایل کار خود در دهه هشتاد میلادی هم چون غول چراغ جادو از بطری سیا بیرون آمد تا به نفع سیاستهای آمریکا در افغانستان گلوی ارتش سرخ شوروی را بدرد. ولی بعدها این غول هرگز به داخل بطری افسانه ای باز نگشت. همیشه همینطور است در دسته دزدان اختلاف می افتد و یک روز دزد کوچکتر می خواهد دزد بزرگتر را کنار بزند و خود صاحب تمام منافع گردد.

ولی داستان عبد المالک جالب تر است. او پس از تروریست شدن دل به دشمنان مردم خاورمیانه و ایران و حتی هم قومان خود یعنی بلوچ هاسپرد. جالب آن که بر خلاف بن لادن که هرگز کسی او را در حال سر بریدن یا کشتن کسی ندیده ریگی با کمال افتخار در مقابل دوربین ها این کار را کرده و بدون شطرنجی کردن صورت برای پخش به شبکه های مختلف جهانی میفرستاد. در زمانی که دولت آمریکا به پخش مصاحبه های بن لادن و ظواهری از شبکه های الجزیره و العربیه اعتراض می کرد. گویندگان صدای آمریکا کاری را کردند که حتی گردانندگان مرعوب عربی نیز با تمام ترسشان جرات انجام چنین کاری و خوش خدمتی به بن لادن را نداشتند.

این کار چه بود؟ مصاحبه مستقیم با عبد المالک ریگی و خوش بش با او در مقابل چشم خانواده های داغداری که روز قبل ماجرای سر بریده شدن فرزندان بیگناه رهگذر از جاده ها را دیده بودند.

جالب آن که پس از ماجرای نشاندن هواپیمای حامل این تروریست و دستگیری بدون کوچکترین خشونت وی در خاک ایران، کارشناسان صدای آمریکا اذعان میکردند که باید سازمان ایکائو ایران را به دلیل این عمل محکوم و فضای ایران را برای تردد هواپیماها ناامن اعلام کند.

حال اگر قرار براین باشد که به خاطراجرای بدون خشونت دستگیری فردی جانی که حداقل چهارصد خانواده بیگناه را در عملیاتی که خود مستقیما در آن شرکت داشته عزادار کرده درجهان کسی محکوم شود. پس دولت صاحب این رسانه (صدای آمریکا) که به بهانه دستگیری بن لادن صد ها هزار نفر از مردم بیگناه افغانستان و عراق و نیز جوانان سرباز ساده دل آمریکایی را به کشتن داده و دو کشور را به اشغال درآورده و زیر ساخت های اساسی که با پول همین ملتهای بدبخت ساخته شده را نابود یا به تسخیر خود درآورده را به چه مجازاتی رساند؟ اگر به خاطر نشاندن یک هواپیمای مسافربری و بالا رفتن احتمالی آدرنالین خون مسافران این پرواز محکومیت جهانی لازم است، پس باید با دولتی که ۲۹۰ مسافر بیگناه



ایرانی را در هنگامه جنگ ایران و عراق و در آسمان و آبهای هزاران مایل دورتر از خاک کشورش و تنها به پشتیبانی از فردی به نام صدام که بعدها خود نیز مستمرا تجاوزگر بودن او در حمله به ایران را اعتراف کرده، در آسمان تکه تکه می کند



به چه روشی رفتار نمود؟ آیا مدالهایی که به کارکنان این ناو با عنوان (ابراز شجاعت در عملیات رزمی) داده شده و نیز معذرت خواهی که برای کشتار این بی گناهان در آسمان هرگز انجام نشد مغایرتی با این حرفها ندارد؟

نکته جالب دیگر در پیشینه اخلاقی این دو مرد است بن لادن در جوانی فردی غیر پایبند به تمامی اصول دینی اسلام بوده که ناگهان مدعی رهبریت جهان اسلام را مینماید. ریگی نیز دقیقا به انواع مشابهی از مشکلات دچار بوده و ناگهان خواب نمای رهبریت و رسالت آزادی مسلمانان بلوچ و سنی میشود. توبه کارانی که هرگز متوجه دستورات اخلاقی و واقعی دین اسلام در رعایت رحمت وعدم ظلم به دیگران نیستند. دینی که پیامبرش پس از فتح اصلی ترین شهر مقدس مسلمانان از دست کفاری که هم کیشان و تعدادی از خانواده اش را کشتار کرده بودند نه تنها دستور انتقام گیری نداد بلکه خانه دشمن ترین دشمنانش (ابوسفیان) را پس از خانه مقدس مسلمانان یعنی کعبه محلی کاملا امن و مبرا از هرگونه تعرض قرار داد تا همه بدانند که رویه او در مبارزه چگونه است و بدینگونه رفتار کنند. ولی در میان این خواب نمایان توبه کار برای نجات جهان فرد سومی نیز وجود دارد که به منطقه خاورمیانه و پیروان دین اسلام تعلق ندارد. او نیز در جوانی یک الکلی و دائم الخمر بشمار میامده که ناگهان رسالت نجات جهان غرب و مسحییت را و عملا نابودی مسالمت در جهان را به دوش میگیرد آن فرد کسی نیست جز ضلع سوم این کشتار جهانی یعنی رییس جمهور سابق آمریکا جرج دبلیو بوش. بگذریم.

دیر زمانی است که اکثریت مردم خاورمیانه این تناقض بین سخن و عمل را بخوبی میشناسند. تروریست خوب و تروریست بد. این تفکر دهها ساله دولتهای غربی برای ما مردم خاورمیانه بوده است. در قدیم بن لادن تروریست خوبی بود چون باید بر ضد دولت شوروی سابق ، پشتیبانی میشد. چرا که افغانستان در تسخیر روسها بود و باید بدین بهانه به این ملت کمک کرد ولی یک سوال! آیا بن لادن عرب تبار عربستانی یک افغان بود تا برای باز پس گیری کشورش سیل کمکهای تسلیحاتی و مالی را به گروه او روانه کرد یا...؟

ولی بعدها بن لادن تروریست بدی شد چون علیه منافع ارباب سابقش آمریکا ترکتازی کرد و مدعی همه چیز خواهی شد. مگر آنان نبودند که شوروی سابق را تار و مار کرده واز افغانستان بیرون رانده بودند پس چرا نتوانند صاحب بقیه جهان شوند؟ مگر صدام دیکتاتور خوبی نبود که با پشتیبانی همه جانبه غرب آنقدر تسلیحات و توپ و تانک برای نابودی تک دولت واقعا مستقل خاورمیانه یعنی ایران دریافت کرد که پس از قبول ناگهانی آتش بس از سوی ایرانیان در جنگ بین دو کشور به فکر بیفتد تا با این سلاحها کویت و حتی اگر بخت اجازه دهد عربستان را نیز تصرف کند. ولی بعدا صدام یک دیکتاتور بد محسوب شد چون به منافع پشتیبانانش د ر منطقه حمله ور شد. پس دولتهای غربی که خود او را مجهز کرده بودند در طی دوجنگ و به بهانه داشتن یا پیدا کردن سلاحهایی که خود قبلا به او داده بودند، کشور تاریخی عراق را تصرف کردند.دیکتاتور خوب ، تروریست خوب... ذهن دولتمردان غربی بریز از عشق به چنین افرادی است حتی اگر معشوق همیشه جفاکار از آب درآید ولی چه میتوان کرد که به قول ما مردمان خاورمیانه عاشق همیشه کور است و عیبهای عیانی را که همه می بینند او نمی بیند.

شاید با آمدن اوباما ما در خاورمیانه گمان برده بودیم که زمانه در حال عوض شدن است و تروریست خوب دیگر وجود ندارد ولی مسافرتهای آزادنه عبدالمالک ریگی در سطح منطقه و نیز آخرین سفر مشکوکش به پایگاه آمریکا در کشور قرقیزستان برای همگان این شک را باقی نمیگذارد که هیچ چیز در مخیله دولتمردان غرب عوض نشده است.

بنابر این من به خوانندگان فهیم غربی توصیه میکنم که لحظه ای به این پند ایرانی که توسط یک نخست وزیر که تنها به جرم ملی کردن نفت کشورش از دست چپاولگران بین المللی در یک کودتای آمریکایی _ انگلیسی سرنگون شد توجه کنند و لحظه ای بر صندلی ما مردم خاورمیانه بنشینند. آیا در این جایگاه دیگر به کدامین قول دوستی و صداقت دولتهایتان می‌توانید اعتماد کنید؟

واقعا سخن درستی پس از گرفتن بدون خشونت عبدالمالک ریگی در کوچه و بازارهای ایران ومنطقه در جریان است که، راه گرفتن تروریست ها این است و نه تسخیر و نابودی بی نتیجه دو کشور. که جمله ای دیگر را نیز براحتی میتوان بدان اضافه کرد و نه حتی اعتماد به دولتهای غربی پرورانده این تروریستها در قبل و یا اکنون.

شما نیز توصیه ما را جدی گرفته و هم چون ما در خاورمیانه هرگز برای امنیت فرزندانتان در غرب ، به این دولتمردان ریاکار اعتماد نکنید.

پیامبر ما چنین بود و چنین گفت(۲۵)

پیامبر (ص) و عبادت

حجت الاسلام والمسلمین محمد فولادی



هدف از آفرینش و ارسال پیامبران، عبادت و پرستش خداوند متعال و پروردگار عالمیان است. پیامبران اولین و آخرین پیامشان و سخن همیشگیشان دعوت مردم به پرستش و اطاعت اوست که :

«الا تعبدوا الا ایاه». (سوره یوسف/ ۴۰.)

و تنها خدا را سزاوار و شایسته بندگی دانستن و در عمل نیز تنها او را بندگی کردن، آنهم در معنای وسیع بندگی یعنی همان که حضرت ابراهیم (ع) فرمود:

«قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین». (سوره انعام/ ۱۶۲).

درتمامی جلوه‌های زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... چرا که تنها خداوند شایسته عبادت است و عبادت از حقوق مختصه خداوند است، سر تعظیم و تسلیم تنها در پیشگاه او فرود آوردن و همه‌ی نیروها، استعدادها، امکانات، فعالیت‌ها و تلاش‌های ذهنی و عملی خالصانه برای او قرار دادن. و در یک کلام، عبادت یعنی در حق کوفتن و خدا را صدا زدن. تمام پیام‌ها و دستورات، وعده‌ها و بشارت‌های انبیاء در عبادت خداوند نهفته است. فلاح و رستگاری، سعادت و کامیابی دنیا و آخرت، آزادی و رهایی از قید و بندها، طاغوت‌ها، ستمگران و ... همه و همه در بندگی خداوند به دست می‌آید.

قال رسول الله (ص): «قولوا لا اله الا الله تفلحوا». (مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۴۹۲).

عبادت خداوند و اتصال به او و احساس حضور در محضر او یعنی رهایی از کمند ذلت‌آور هر چه زشتی، نقص، جهل ، فقر ، غلامی ، خسران و زیان است. کسی که به چرخ معبود می‌چرخد و تسلیم تام و تمام هر آنچه کمال و رشد است می‌باشد. عبادت یعنی اظهار عبودیت و تن دادگی و تذلل به خداوند و معرفی واقعی خود که همان فقر ذاتی است و همه‌ی تلاش شیطان، دوری مردم از این عبادت است که مبادا مردم باورشان آید که غیر از خداوند هیچ است.

«ان الحکم الا لله امر أن لا تعبدوا الا ایاه ذلک دین القیم» (سوره یوسف/ ۴۰).

تنها فرمان خدا و تنها عبادت او و این همان دین راستین است. و در دین توحیدی غیر از این دستوری نیست که: «و ما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین حنفاء» (سوره بینه/ ۵). و فرمان نیافتند جز این که خدا را فقط بندگی کنند.

عبادت از امور اصیل و بنیادی و محوری همه‌ی ادیان توحیدی است و در قرآن بیش از سیصد مورد مستقیماً از انحصار عبادت و ... برای خداوند سخن به میان آمده است.

تمام زندگی پیامبر اسلام (ص) به عبادت خداوند و دعوت دیگران به آن گذشت و در عبادت و اطاعت خداوند هرگز خسته نشد و لحظه‌ای نیاسود.

رسول خدا (ص) فرمود: بهترین مردم کسی است که دلباخته عبادت بوده آن را به آغوش کشد و از عمق جان، آن را دوست داشته به آن بچسبد و خود را در اختیار آن نهد، و چنین کسی در غم دنیای خویش نباشد که به خوشی و رفاه می‌گذراند یا در سختی و شدت. (معارف و معاریف، ج ۷، ص ۲۰۳).

حضرت علی (ع) می‌فرماید: خداوند پیامبر (ص) را مبعوث و برانگیخت برای این که بندگانش را از بندگی بت‌ها به بندگی خودش (خداوند) خارج کند.

«فبعث محمداً بالحق لیخرج عباده من عباده الاوثان الی عبادته ...»(نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).

بیشترین آموزش‌های پیامبر (ص) به اصحابش درس عبادت و آداب پرستش خداوند بوده است که به اختیار آن حضرت و به عنوان مأموریت و رسالت نبوت انجام می‌گرفت چرا که بسیاری از کارهای دیگر که از پیامبر (ص) سر زده جبر زمانه و عملکرد دشمنان و مخالفان و وقوع حوادث بر آن حضرت تحمیل کرده است مثل جنگ‌ها و صلح‌ها و ... .

اما اموری مانند نماز، روزه، حج، دعا و ... جزء لوازم حتمی دینداری و راه‌های گریزناپذیر سلوک الی الله است.

رسول خدا (ص): افضل الناس من عشق العباده. برترین مردم کسی است که دلباخته عبادت باشد. (کافی، ج ۲، ص ۸۳).

پیامبر (ص) توصیه می کرد که در زندگی به دنبال فراغت و فرصت باشید برای عبادت کردن قبل از آن که مشغولیات مانع عبادت شود.

رسول خدا (ص): «تفرّغوا لطاعه الله و عبادته قبل ان ینزل بکم من البلاء ما یشغلکم عن العباده» (تنبیه الخواطر، ص ۳۶۰). تلاش در عبادت زمانی مقبول رسول خدا (ص) است که همراه با تفقه و آگاهی باشد.

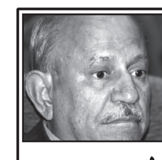
«اول العباده المعرفه به» (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۶۱).

در کلامی دیگر فرمود: «لا عباده الا بیقین» هیچ عبادتی بدون یقین ارزش ندارد. (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۹).

پیامبر (ص) فرمود: خدا را به گونه‌ای عبادت کن که گویا او را می‌بینی. «اعبد الله کانّک تراه فان کنت لا تراه فانّه یراک». (بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۷۴).

پیامبر (ص) عبادت را تنها ذکر و ورد و رکوع و سجود نمی‌دانست بلکه می‌فرمود: العباده عشره اجزاء تسعه اجزاء فی طلب الحلال. (بحار، ج ۱۰۳، ص ۱۸).

یا فرمود:«العباده سبعون جزء و افضلها جزءً طلب الحلال»عبادت هفتاد جزء است و برترین اجزاء آن کسب حلال است.(معانی الاخبار، ص ۱۸).



کوچه ها
دکتر سید جعفر حمیدی

باد یزله می کند میان کوچه های شهر
شهر گریه می کند ز دست ابر بی ثمر
چون عرق نشست بر جبین و بام خانه ها
نم جوانه می زند به روی طاقبند و در
چون طلوع، مست می شود زباده ی فلق
کوچه سست تر شود ز جای پای رهگذر
حرف حرف حرف حرف، باز حرف
صبح، ظهر، عصر، نیمه شب، سحر
کوچه با اشارتی دوباره زنده می شود
می تراود از کنار و از کناره و گذر
دست آشنا ز آستین اگر برون زند
کوچه می شود جوان وشادمان و سبز و تر
کوچه یادگار ماه و سال ها و قرن هاست
نقش زرنویس دست های پرهنر
با ستاره ها تمام شب نیاز می کند
باز با ستاره ها به وقت صبح، همسفر
دلکه می طپد در انتظار لحظه ای است
تا دوباره کوچه زندگی کند شکفته تر



فانوسکان آویزان
فرشید تربیت

در آغوش موج ها لم داده ام
و برای خورشید
که دارد از دستم می رود
دست تکان می دهم!
این مسافر تا فردا ...
که بیاید!
چه رفتن غم انگیزی دارد این مسافر!
چه فانوس ها خوشحالند از رفتن خورشید!
چه دکل ها کل می زنند!!
و چه کیفی می کنند ستارگان!!!
خدا کند آسمان ابری شود تا ابد!
ای کاش تا ابد ابرها بمانند
تا غرور فانوسکان شکسته شود
و دکل های کم نور از خجالت آب شوند در دریا!
تا آب شوند از خجالت
این فانوسکان آویزان!
فردا که شد به خورشید خواهم گفت:
قصه ی فانوسکان آویزان کم نور را
که پشت سرت چه حرف ها می زنند تا بیایی!



طاهره غمخوار

کبوترفکر پروازی دیگر باش
بیا با من دوباره همسفرباش
نترس ازصاعقه ازابرو باران
عنایت کن مرا تو بال و پر باش!

دلم یاد بهاران می کند باز
هوای سبزه زاران می کند باز
همان کوچه که شد تعطیل از عشق
هوای کوی یاران می کند باز

هیس
سید مرتضی کراماتی

اندوهم را
به هر کس می گویم
با دست تو را
نشانم می دهند
و من
خیره می شوم به
(هیس) دختر خانمی
که در قاب
شلوغی بیمارستان را
نهیب می زند

ماه
مرجان پیران

مگر نمی دانی ماه
با تمام آدم های تنها راه می رود
ماه با من راه می رود
و به این فکر نمی کند
که من
زمینی ام.

سفیر سعدی، جام جهان نمای مولوی و صد صراحی حافظ!

حماسه ی حق پرست



پیش درآمد: گذری کوتاه و درنگی مختصر در تاریخ موسیقی ایران، خواننده را به نکته ای درخور توجه و صد البته قابل تعمق وامی دارد. نکته ای که در پس پشت خود و به درازای آن چه به عنوان تاریخ و پیشینه ی موسیقی ایران خوانده می شود جای بسی کندوکاو دارد و خود بسان پیش درآمدی است جهت ورود به گفتارهای اجتماعی- سیاسی و هنری این مرزو بوم. آن نکته اما این است که چرا و چگونه موسیقی ایران به عنوان هنری شاخص و شایسته با آن همه سازها و آوازهای تاریخی خویش نتوانسته است جایگاه جهانشمول خود را رسمیتی فرامرزی بخشد؟! و هم این که به راستی چرا هر زمان که موسیقی و اهالی علاقه مند و عاشق پیشه ی آن برای کاری سترگ عزم جزم نمودند، بازدارنده های نامحرم و دستهای اهریمنی حاکمان نابخرد و نیز جاهلان متعصب قوم که هماره در لباس زعمای عاقبت اندیش خلق و دلسوز جماعت! ظهور می کنند، زبان به تحریم و منع گسترش موسیقی باز می کنند و از این رهگذار مگر چه طرفی بسته خواهد شد تا انسان به جلوه های آسمانی ترین و عاطفی ترین هنرها دست نیابد و سرخوش و سرمست نگردد!؟ بی تردید علت العلل این همه مقاومت در برابر رشد موسیقی و کوشش در نشر وهم و خرافه و ایجاد ترس و دلهره از ترویج گناه در بین مردمان جامعه، از این که مبادا روزی به خطا به طرب روی آورند و به جرگه ی گناهکاران (بخوانید سیاهکاران!!!) بپیوندند، پاسخی است که از نتیجه گیری روانشناختی اذهان زعمای قوم زاییده می شود: باری؛ هراس از پیروزی رقیب!

رقیبی که همیشه و هر زمان سیاهه ی اندیشه های مخوف آن ها را در تب و تاب هستی و پرسشگری فلسفی انسان عذاب داده است و برچیده شدن بساط تحمیق و تحجر آن ها را تهدید می نماید و چه اخطار و کدام خطر از این جدی تر؟ آری ، این موسیقی است که به گفته ی بیشتر جامعه شناسان، اساس زیست سالم و یا ناسالم پیکره ی یک جامعه را در یک جغرافیای مشخص اعلام می دارد و هر جوینده ای را متوجه خواهد ساخت که هرجامعه ای که از منظر شناخت و شناسایی عواملی همچون هنر و فرهنگ و ادب و اقتصاد و سیاست در حال بررسی و واکاوی است چقدر از موسیقی به سامان و سزاوار آن تاریخ بهره مند است و تا چه اندازه از ضریب شکوفایی موسیقی مرزو بوم خود برخوردار می باشد؟



به هر روی قصه ی پر غصه ی موسیقی ایران مثنوی دور و درازی است که واگویه اش از حوصله این نوشتار خارج است و مجال و حال دیگری طلب می کند تا مگر به قول سعدی از هزاران یکی باز گفته شود! آن چه اما امروز در موسیقی ایران، از دل شرایط سیاسی موجود و متن حاکمیتی به لحاظ تفکر غالب زعما، بیرون زده است و به گفته ی جاودان یاد محمد مختاری، از زهدان اجتماع استبداد زده ی ایران زاییده شده است، چیزی نیست که مورد نظر متفکرین قوم بوده و باشد، چه با همه ی منع و ممنوعیت ها و اقسام فتاوی گوناگون در خصوص سکون موسیقی و سکوت اهل موسیقی، باز هم ترانه و تصنیف و ساز و آواز با تراوش هنری خود نزد مردمان نشسته است و روح آن ها را سیراب نموده و جان ایشان را تازه می گرداند تا فریاد برآرد که: اذان و ادعیه نیز وقتی با موسیقی ایران درمی آمیزند به مراتب تاثیرگذارترند و گوش و هوش شنونده را به رغم آن که با زبانی بیگانه به خود مشغول می دارد اما این بیان آهنگین و دلنشین موسیقی است که به لایه های روحی و روانی همان شنونده ره می یابد و در کنش و واکنشی عاطفی و احساسی فرد را به سمت معتقداتش رهسپار می سازد. (مثال زنده ی آن نیز اذان زنده یاد موذن زاده ی اردبیلی در گوشه ی روح الارواح در آواز بیات ترک است که به حق از زیباترین اذان های تاریخ اسلام است).به هرروی خیل مشتاقان و عاشقان موسیقی ملی ایران نوید روزهای امیدوارکننده ای را می دهد که از این رهگذار حتا می توان به ترسیم دیگرگونه ی شرایط اندیشگی و پارامترهای دیگرگونه ی فقهی نیز در این زمینه امیدوار بود. اما هدف از این پیش درآمد اشاره ای کوتاه به حضور متفاوت استاد محمد رضا شجریان در دنیای موسیقی است. استاد شجریان را باید سند و شناسنامه ی ملی موسیقی ملی ایران نامید. مردی که از پس پشت روزگاران طولانی و با همه ی فراز و فرودهای سخت و غیرقابل باور آن جانانه ایستاد تا از بیداد بگوید و آستان جانان را فرابخواند و به یاد عارف بگرید و نوای آزادی سر دهد و سرعشق را بنمایاند و دستان را جار زند و دود عود بگستراند و .... بیاید تا آمدن زمستان را دیگر بار اعلام نماید و یکسره به تحریر درآورد رندان مست را در لحظه های سبز تاریخ ایران و هشدار دهد : تفنگت را زمین بگذار و باز بخواند به رسم عاشقان در غوغایی سرمست و جانانه از قول سعدی بزرگ: باده بگردان ساقیا!

شجریان، همواره به خاطر بودن در کنار مردم سرزمینش در بدترین شرایط سیاسی و به لحاظ این که هنرمندی متعهد بوده است در برابر تحولات اجتماعی و سیاسی، جایگاهی انکارناپذیر در دل ها و جان های شیفته ی ایران زمینیان دارد. اگر چه مخالفانش او را بی مغز و بی بار وبر، و وطن فروش! بنامند. اما چه جای انکار و کدام توان کتمان که بزرگامردی چون محمدرضا شجریان حافظ در سینه دارد و سعدی به روی دیدگان می گذارد و مولوی در دستهایش جلوه گر است و ما سرخوشان این همه هنر استاد ملی موسیقی ایران هستیم. امروز شجریان استاد موسیقی همه ی مردم ایران است چه اوکه خود را خاک پای مردم ایران زمین می داند در همه ی کنسرت ها و اجراهای خود تنها به بهروزی فرهنگ و هنر و ادبیات و پیروزی ملت ایران می اندیشد. لشکر شاگردان وطن دوست استاد سخت بر این باورند که شجریان؛ سفیر سعدی و جام جهان نمای مولوی و صد صراحی مستانه ی حافظ است و این همه ی دارایی فرهنگی یک ملت متمدن و آگاه به تاریخ و البته حقانیت هنر موسیقی ایران زمین است.

شجریان امروز به راهی زده است که هشیارانه ترین گزینه ی ممکن جهت احیا و توانبخشی دوباره به گوشه های نهان و پنهان موسیقی ایران است. همراهی با گروهی از جوانان وطن در تشکیل گروه شهناز. گروهی که به سعی و کوشش هنرمند گران قدر موسیقی ایران، مجیددرخشانی بنیاد گذاشته شد و در عرض ارادت خود به شهناز موسیقی ایران ، استاد جلیل شهناز سنگ تمام گذاشته است. گروهی که با ترکیب کاملا جوان خود این پیام را به گوش جهانیان رسانیده است که: ما زنده از آنیم که آرام نگیریم و چه نیکو به اثبات رسیده است شعر شورانگیز مولوی. جوانانی در جهان به بیان موسیقی ایران پرداخته اند که هر کدامشان نماد و نمود خیل جوانان آزادیخواه و آگاه ایرانند. گروهی که تجربه ها و تازه های استاد شجریان را در ساخت سازهای نو و جدید به تجربه نشسته است و ساغر و صراحی و بمساز از این دسته اند تا روزی به عنوان سازهای رسمی در سازبندی ارکسترهای ملی موسیقی ایران و ایجاد رنگ آمیزی متفاوت در کارهای گروهی ثبت شوند. آری، استاد شجریان ۲۵ خرداد به خانه ی پدری و خاک پاک سرزمینش برگشت تا بر آن خاک بوسه ای دوباره زند و وطن دوستی خود را و عشق به ایران همیشه سبز را در تحریر و آوازی خوش بسراید و ما نیز دست افشان و پاکوبان این سفیر سعدی را و جام جهان نمای مولوی را و صد صراحی حافظ را در سینه هامان بپروریم و مقدمش را عزیز و گرامی بداریم.

گزارشی از کارگاه شعر علی باباچاهی در تهران

باباچاهی و نقطه‌ی عزیمت جریان‌سازی ادبی

ایوب صادقیانی

مقدمه : برخلاف فعالیت‌های ادبی-هنریِ تشریفاتی، جریان‌های مستقل، بدون اتکا به حمایت‌های دولتی به جریان‌سازی هنری می‌پردازند. گرچه جریان‌های ایدئولوژیک از امکانات بیشتری برخوردارند، امّا معمولاً از زمان خود فراروی نمی‌کنند و کارکرد آن‌ها محدود و کوتاه‌مدت است. در مقابل، جریان‌های مستقل همواره در پی نوجویی و جریان‌سازی هنری با کارکردهای بلندمدت و بعضاً تاریخی‌اند. بیشتر اختلافاتی که بین این دو گروه از جریان‌های هنری وجود دارد، ناشی از عدم درک کارکردهای هنری و بلندمدت جریان‌سازی‌های گروه‌های مستقل، از سوی گروه‌های وابسته است. چنین محدودیت‌هایی باعث شده است که بیش از این که نهادها در کشور ما به جریان‌سازی بپردازند، افراد و نام‌های معتبر هنری در این راه پر فراز و فرود قرار گیرند. یا اگر هم نهادی به وجود می‌آید، حول یک یا دو شخص خاص به فعالیت می‌پردازد. با این توضیح می توان گفت که کارگاه‌های ادبی و به طور خاص کارگاه شعر، در چند دهه‌ی اخیر نقطه‌ی عزیمت جریان‌سازی ادبی قرار گرفته اند. امّا این که چقدر عزیمت به سویِ جریان ادبی اثرگذاری صورت گرفته، موضوعی است که ظاهراً به یک شخص محوری بستگی داشته است. به عنوان مثال، جدای از این که کارگاه دکتر براهنی موفق بوده یا نبوده، نمی‌توان از تلاش این کارگاه در جریان‌سازی چشم پوشید. شاهد این مدعا نیز این است که با وجود گذشت چندین سال از برگزاری کارگاه ، هنوز مقالاتی در باب جریان منسوب به براهنی و کارگاهش نوشته می‌شود. امّا اگر نام کارگاه‌های برگزار شده در دهه‌ی کنونی مثل کارنامه (آتشی و به جبر تابعیت از آن موسوی)، سید علی صالحی و ... را از ذهن بگذرانیم، کارگاهی که جریان‌سازی‌اش را حس کرده باشیم، به یاد نمی‌آوریم.

از سال گذشته نیز دوره‌ی جدید کارگاه علی باباچاهی در کانون فرهنگی هنری م.آذرفر (برگزار کننده‌ی شب‌های شعر رنگ‌واژه)، شروع به کار کرده است. ناگفته پیداست که این‌بار نیز یک نام معتبر در نقش محور کارگاه ظاهر شده است. نامی که خود در بیرون از کَارگاه و در حوزه‌ی شعر امروز ایران جریان‌ساز بوده است و این‌که چقدر کارگاهش جریان‌ساز بوده یا خواهد بود، چیزی است که باید از قلم منتقدین خوانده شود و نه نگارنده‌ی این نوشتار که خود یکی از اعضای کارگاه است. بیش از این که بخواهم نقدی بر کارگاهی که عضوی از آن هستم بنویسم، قصد دارم در این نوشتار، گزارشی از نحوه‌ی برگزاری کارگاه ارائه نمایم.

اهداف کارگاه :گرچه در بروشورهای کارگاه، بررسی جریان‌های شعری دهه‌های اخیر، بررسی شعر چند مرکزیتی و تک مرکزیتی، بررسی شعر کارآموزان و ... به چشم می‌خورد، با اندکی دقت به این موضوع می‌توان پی برد که مسأله فراتر از این‌هاست. با وجود این که به عنوان یک عضو کارگاه، مستند مکتوبی درباره‌ی اهداف کارگاه دریافت نکرده‌ام، امّا از لابلای تذکراتی که استاد دائماً بر آن تأکید دارند این گونه دریافته‌ام که اهداف کارگاه برای اعضا عبارتند از:

- شناخت جایگاه کنونی کارآموزان توسط خودشان.
- تغییر جایگاه کارآموزان از نقطه‌ی کنونی به نقطه‌ی دیگر.
- ایجاد حس تغییر دائمی، نوآوری، و فراروی از خود در کارآموزان.
- افزایش آگاهی و توانایی کارآموزان برای شناخت و نقد جریان‌های شعر معاصر.

با این‌که باباچاهی در کارگاه خود همواره بر این اهداف تأکید نموده، امّا برای شفاف‌سازی این اهداف نیز بر نکات دیگری تأکید می‌ورزد؛ از جمله: – از شگردهای شعری باباچاهی یا دیگران استفاده نکنید تا تکثیر استاد و یکسان‌سازی ، محور کار قرار نگیرد.– مقصد هنری کارآموزان، لزوماً مقصد مدنظر باباچاهی نیست.– فراروی از خود، همواره باید با حفظ فردیت ادبی صورت گیرد.

– در نقد جریان‌های شعری معاصر، هدف تنگ کردن جای دیگری نیست، بلکه بیشتر به ایجاد فضاهای متکثرنظر دارد.

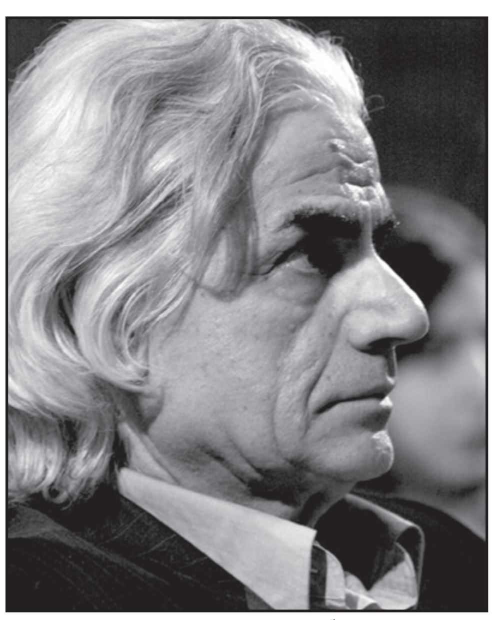
روش کارگاه: کارگاه باباچاهی با این که از برنامه‌ای مدون مثل برنامه‌ی مدونی که در دانشگاه‌ها ارائه می‌شود پیروی نمی‌کند، لیکن با چارچوب‌های مشخص و هدفمند اداره می‌شود. بخش‌های مختلف این کارگاه به صورت زیر است. لازم به ذکر است که همه‌ی این بخش‌ها به صورت مداوم و با یک چارچوب دقیق برگزار نمی‌شود، بلکه با تشخیص باباچاهی و همچنین نظرات اعضای کارگاه جا عوض می‌کند:

تأملات: این بخش از کارگاه با توجه به وقایع، مناسبت‌ها، سخنرانی‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها، جشنواره‌های ادبی و .... که در روزهای قبل اتفاق افتاده است، شکل می‌گیرد. طرح این مباحث هم می‌تواند از سوی باباچاهی باشد هم از سوی سایر اعضای کارگاه.

بررسی جریان‌های شعری: یکی دیگر از بخش‌های کارگاه، تبیین مبانی جریان‌های شعری معاصر، نقد این جریان‌ها، ارائه‌ی نمونه‌های شعری موفق و ناموفق و ... است. همچنین تئوری‌های شعری مختلف در این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد. از جمله مباحثی که تا کنون در قالب این بخش از کارگاه بررسی شده است، می‌توان به شعر حجم، موج نو، شعر ناب، شعر دیگر، شعر در وضعیت دیگر، شعر ساختارگرا، شعر پساساختارگرا، تک مرکزیتی و چند مرکزیتی، شعر روایی و حکایی، شعر پست مدرن و ... اشاره کرد.

نقد شعر شاعران معاصر و کهن ایران: در این بخش از کارگاه، هم باباچاهی و هم کارآموزان با انتخاب نمونه‌های مختلف به بررسی شعر شاعران کهن و معاصر ایران می‌پردازند. از جمله‌ی معاصرانی که تا کنون آثار آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته است، می‌توان به نیما، شاملو، فروغ، اخوان ثالث، سهراب سپهری، نادرپور، آتشی، براهنی، رؤیایی، سیمین بهبهانی، نصرت رحمانی، قیصر امین‌پور، طاهره صفارزاده و ... اشاره کرد.

نقد شعر شاعران جهان: به فراخور نیاز، در جلسات مختلف کارگاه، آثاری از شاعران جهان که به فارسی ترجمه شده‌اند، در کارگاه بررسی می‌گردد. از جمله شاعرانی که تاکنون آثار آنان مورد بررسی قرار گرفته است می‌توان به ریتسوس، شیمبورسکا، اوکتا ویوپاز، آدونیس، لورکا، جان اشبری، آلن گینزبرگ، رمبو، پل والری و ... اشاره کرد.



سخنرانی کارآموزان: هر یک از اعضای کارگاه، موظف است یک موضوع خاص را با تأیید باباچاهی انتخاب و درباره‌ی آن سخنرانی کند. از جمله‌ی موضوعاتی که تاکنون توسط کارآموزان مطرح شده، می‌توان به مواردی چون: تغزل در شعر، استعاره و فضای استعاری، شعر حجم، تکنیک زدگی در شعر، نامگذاری شعر، نقش دایره واژگان در شعر، موسیقی شعر(وزن‌گرایی، وزن‌زدایی، چندوزنی، اوزان پیوندی–) و ... اشاره کرد.

بررسی شعر اعضای کارگاه: مهم‌ترین بخش کارگاه بررسی آثار اعضا است. در این بخش، هر هفته یک تا سه شعر یکی از اعضای کارگاه به تعداد کافی تکثیر و در اختیار اعضاً قرار می گیرد. در جلسه‌ی بعد، شعرها توسط اعضای کارگاه مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. همچنین باباچاهی علاوه بر بررسی آثار در کارگاه، در فرصت بین هر دو جلسه، تمام آثار کارآموزان را بررسی و نظرات خود را به صورت مکتوب به کارآموزان ارائه می‌کند.

نقاط ضعف و قوت: از مهم‌ترین نقاط قوت کارگاه می‌توان به تسلط باباچاهی به شعر کلاسیک و نو، نظریه‌های ادبی، تنوع و فراز و فرود شعر جوان و ... اشاره کرد. همچنین تأکید باباچاهی بر لزوم تغییر و فراروی از وضعیت کنونی، باعث شده است که کارآموزان همواره به دنبال نوپردازی باشند. بحث درباره‌ی مسائل روز نیز جذابیت خاصی به کارگاه بخشیده است.

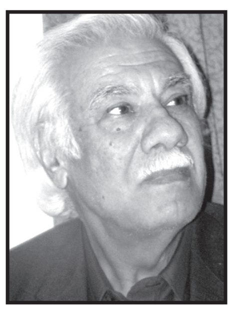
درباره‌ی نقاط ضعف کارگاه باید به این نکته اشاره کنم که تا کنون طنینی از آثار کارآموزان، جز چاپ چند شعر در مجلات کاغذی و سایت‌های ادبی، به گوش جامعه‌ی ادبی نرسیده است. در حالی که طنین برپایی کارگاه با جذابیت همراه بوده است. ناگفته نماند که از دوره‌های پیشین کارگاه علی باباچاهی، چهره‌های در خور توجهی به جامعه‌ی ادبی معرفی شده که صاحب مجموعه شعر و نقد و آرا و عقایدند. همچنین جای خالی نقد آثار کارگاه از سوی منتقدین خارج از کارگاه نیز حس می‌شود.

منبع: کتاب درنگ یک . به کوشش محمد لوطیج. انتشارات تحقیقات نظری اصفهان
/http://alibabachahi.blogfa.com

درباره شعر...

سوژه در شعر و چگونگی انتخاب آن

عبدالمجید زنگویی، شاعر و پژوهشگر ادبی



هر موضوع و جریانی، هر اتفاق و رویدادی، هر پدیده و انگیزه‌ای که احساس شاعر را برانگیزد و او را تحت تأثیر قرار دهد می‌تواند برای شاعر سوژه باشد، دیدار با یک دوست، دیدن دریا و کوه و صحرا، تندر و آذرخش، دیدن نخلستانی و باغی، مطالعه یک داستان اسطوره‌ای، یک جریان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عشق و مهر ورزیدن و ... هر کدام می توانند موضوع و محتوای شعر قرار گیرد.

شاعری سوژه‌های اجتماعی – سیاسی را دوست دارد و شاعر دیگر سوژه‌های توصیفی و ناتورالیستی را، یکی در اعماق اجتماع و کوچه و بازار به جستجوی سوژه می‌پردازد و دیگری در جوامع اشرافی و خیابانهای زیبا و بالای شهر. به هر صورت نقش سوژه و چگونگی انتخاب آن می‌تواند مهم، پایدار و اثرگذار باشد. نهایت اینکه شعر در کنار سوژه خوب باید دارای جوهر و گوهر و نوآوری و صنایع زیبای شعری باشد و تری و تازگی. شاعر ممکن است با خواندن یا شنیدن یک خبر، با دیدن یک ماجرا، با شنیدن یک آوا، سوژه‌ی شعرش را بیابد. در اتوبوس، در تاکسی، در مهمانی، در خیابان و پارک و صحرا و یا هر جای دیگر و با هر تلنگری موضوع و سوژه شعرش را شکار کند و البته خود سوژه و چگونگی آن در شعر نقش عمده ای دارد. سوژه شعر اگر خوب بیان شود می‌تواند شعر را جاودانه و ماندگار کند.

هنگامی که سوژه شعر ماندنی و خوب باشد بی‌تردید بر خواننده اثر می‌گذارد، خواننده آن را می‌پسندد و زمانی که شعر را دوست بدارد و حافظ آن باشد طبیعی است که شاعر هم به خواست و اندیشه خواننده احترام می‌گذارد و سوژه شعرش را مطابق ذوق خواننده و جامعه آگاه بر می‌گزیند. می‌گویم خواننده و جامعه فرهیخته، نه هر خواننده ساده پسند و معمولی و غیر حرفه‌ای – همچون بسیاری از شاعران دهه‌های ۳۰ ، ۴۰ و ۵۰ – با همه اینها تنها سوژه نیست که شعر را جاودانه و ماندگار و شاعر را معروف می‌کند چه بسا که موضوع و سوژه‌ی شعر خوب و به روز باشد ولی شعر چنانچه بدون جوهر و زیبایی‌ها، نوآوری و صنایع بدیعی باشد دوامی نخواهد یافت و به زودی به دست فراموشی سپرده خواهد شد، نمونه این گونه شعرها را در دوران مشروطیت و حتی انقلاب زیاد دیده‌ایم.

پس بی‌تردید سوژه در شعر و چگونگی انتخاب آن با شرایطی که گفته شد می‌تواند بسیار مؤثر و ماندنی باشد. بنگریم به سوژه در آثار احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث (م. امید)، فروغ فرخزاد، منوچهر آتشی، حمید مصدق، سهراب سپهری، سیمین بهبهانی، دکتر شفیعی کدکنی و ...

معرفی کتاب

یک کتاب با موضوع روز

محمد حسن آرش نیا

نام کتاب: زمینی جدید، شناخت هدف زندگی
اثر اکهارت تول، ترجمه سرور کرمپور



از خانم سرور کرمپور مترجم جوان هم استانی مان کتابی به نام "زمینی جدید" اثر "اکهارت تول" ترجمه و به بازار کتاب عرضه شده است. هر چند متن کتاب اندکی سنگین است ولی خانم کرمپور توانسته است با مهارتی که در امر ترجمه دارد از سنگینی و تعقید آن به خوبی بکاهد. وی مدرک لیسانس خود را در رشته ترجمه زبان انگلیسی از دانشگاه خلیج فارس دریافت نموده، سپس برای ادامه تحصیل به دانشگاه تهران رفته و از آن دانشگاه مدرک فوق لیسانس در همان رشته را اخذ نموده و به بوشهر زادگاه خود بازگشته و به کار ترجمه پرداخت. موضوع کتاب از جمله موضوعاتی است که در جهان امروز موضوع روز می باشد.

کتاب "زمینی جدید" اینگونه پایان می پذیرد:
"برای سفری شگفت انگیز آماده شوید
سفر به سرزمینی که زندگی در آن بهتر و بهتر می شود.
امروز همه ما در این زندگی پرشتاب بسیار جستجو می کنیم، بسیار می خواهیم و در نتیجه لذت زندگی کردن را از یاد برده همواره نگران نظر مردم درباره خودمان هستیم خود را با دیگران مقایسه می کنیم و در اعماق وجودمان نگرانیم مبادا "انسان خوبی" نباشیم. این کتاب را بخوانید تا از محدود کردن زندگی خود دست کشیده با آزادی و رهایی واقعی زندگی کنید. از جستجوی خوشبختی دست بکشید تا دریابید خوشبختی در گذر لحظات و احساساتی است که در قالب کلام نمی گنجد.

پیام دوستی

**همسر عزیزم
آقای دکتر داریوش محمدی
زحمات بی شائبه و شبانه روزیت
را ارج می نهم و خداوند را به پاس
این که تو را پشتیبان زندگی من و
پسرمان قرار داده شاکرم.
روزت مبارک**

**صدها دوشنبه با
دوشنبه های ادبی
نسیم جنوب**

نسیم جنوب ۵
اجتماعی
شماره ۵۸۸ یک شنبه ۶ تیر ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

پاپری، از رضایت به انتصاب استاندار تا اعتراض به تغییر بخشدار

محمد رضایی- برازجان



شفافیت و صداقت نمایندگان در پیگیری مطالبات مردم استان بوشهر حداقل انتظاری است که مردم از نمایندگان استان بوشهر انتظار دارند. در هفته گذشته شاهد دو رفتار متناقض از نماینده دشتستان بودیم. در هفته گذشته شاهد بی توجهی کامل وزیر کشور و هیئت دولت به پافشاری نمایندگان استان برای انتصاب استاندار بومی بودیم و وزارت کشور به ده نفر نیروی بومی پیشنهادی نمایندگان برای استانداری بوشهر اهمیتی نداد و بدون هماهنگی با نمایندگان استان، نیروی غیر بومی مورد نظر خودش را به استانداری بوشهر، منصوب نمود. ایوب پاپری مقدم نماینده دشتستان پس از این شکست سیاسی، ۱۸۰ درجه چرخید و نه تنها از مواضع و نامه نگاری های خود و دیگر نمایندگان دفاعی نکرد که سعی در توجیه این تصمیم دولت نیز نمود و اظهار داشت: "همین که تغییر و انتصاب جهانبخش با این سرعت در هیات دولت انجام می شود، نشان می دهد که ارتباطات قوی و خوبی در دولت دارد و با توجه به شناختی که از دولت در وزارت کشور دارد، بهتر از گزینه ای می باشد که صفر کیلومتر باشد و تازه می خواهد کارش را شروع کند."

مشخص نیست که با این توجیه ابتدایی و آماتور، چرا پاپری و دیگر نمایندگان این قدر بر روی نیروهای بومی که اکثرشان نیز از نظر پاپری صفر کیلومتر بوده و ارتباطات قوی و خوبی هم در دولت ندارند، پافشاری نموده و وقت خود را به این امر اختصاص دادند.

پاپری حتا قدمی فراتر نیز گذاشته و در پیامی این انتصاب را به استاندار جدید تبریک گفته و از هیئت دولت هم بخاطر انتصاب استاندار غیر بومی به سمت استانداری بوشهر تشکر و قدردانی کرد.

اما در تناقض با این رفتار، در هفته گذشته نماینده دشتستان به شدت نسبت به تغییر بخشدار مرکزی این شهرستان اعتراض نمود و در سخنان تندی اظهار داشت: "در خصوص تغییر بخشدار مرکزی شهرستان دشتستان از طرف وزارت کشور هیچ گونه هماهنگی با اینجانب بعمل نیامده است و این موضوع را بی حرمتی محض به جایگاه نمایندگی شهرستان دشتستان تلقی می کنم."

عجیب است که دو رفتار کاملا متناقض از یک نماینده در یک هفته بوقوع بپیوندد که در مسئله مهمی همانند انتصاب استاندار بوشهر، حق را به وزارت کشور برای انتصاب یک نیروی غیر بومی که مغایر نظر نمایندگان استان بوشهر بوده است، بدهد و حتا به وی تبریک گفته و از دولت نیز به خاطر بی توجهی به نظر نمایندگان و این انتصاب تشکر کند، اما در مقیاس بسیار کوچک تر و کم اهمیت تری همانند تغییر بخشدار، این گونه برآشفته و این تغییر را بی حرمتی محض به جایگاه نمایندگی تلقی کند! شاید پاپری، شان نمایندگی مجلس را در حد اظهار نظر درباره مسایل کم اهمیتی همانند تغییر بخشداری می داند و پیگیری مسایل پراهمیتی همانند انتصاب استاندار را فراتر از توان و قدرت خود می داند؟

پاپری در پایان گفته است : "به مردم قول می دهم تا آنجا که از توان قانونی ام بر می آید، در موضوع رخ داده در دشتستان تجدید نظر خواهد شد و از فرمانداری می خواهم سریعا اشتباه بوجود آمده را تصحیح کند".

شاید حد نمایندگان ما در همین اندازه باشد و ما از آنها انتظار زیادی داریم؟!

برداشت و داوری اشتباه

توضیحی بر خاطرات ماشاء الله کازرونی

عبدالمجید زنگویی

به تازگی کتاب خاطرات ماشاءالله کازرونی ، روایت شفاهی از هفتاد سال مبارزه ضد استعماری و استبدادی دشتستان، مصاحبه و تدوین از سید قاسم حسینی به دستم رسید. این کتاب از پنج بخش تشکیل گردیده که قسمت پایانی آن شامل فهرست اعلام می باشد. لازم است که به آقای سید قاسم یا حسینی پژوهشگر پرکار و نستوه بوشهری خسته نباشی و دست درد نکنه گفته شود که خشتی دیگر بر ساختار تاریخ بوشهر گذاشته است. در این کتاب جریانات سیاسی بسیاری که در منطقه دشتستان و بوشهر از هفتاد سال گذشته تا بعد از انقلاب اسلامی صورت گرفته مطرح شده که روشنگر بسیاری از رویدادهای دهه های ۳۰ و ۴۰ و بعد از آن می باشد. ولی متاسفانه بعضی از جاها بدون ذکر منابع و سند و دلایل متقن و استوار بیان شده است. من کاری به جریانهایی که بدون سند مطرح شده ندارم اما در مورد خودم مجبورم موضوعی را بیان و از خود دفاع و موضوع مطرح شده را تکذیب کنم.

در صفحه ۶۷ کتاب، فراز دوم، در پاسخ سوال آقای یاحسینی: « فعالان دیگر حزب توده در بوشهر چه کسانی بودند» آقای ماشاء الله کازرونی می گوید: « این حزب میان فرهنگی ها و دانش آموزان بیشترین طرفدار را داشت. از فعالان معروف آن منوچهر آتشی، عبدالمجید و برادرش عبدالمحمد زنگویی بودند که بعدها از چهره های ادبی و هنری ایران شدند...»

از منوچهر آتشی و برادرم عبدالمحمد که روی در نقاب خاک کشیده اند دفاع و سخنی به میان نمی آورم اما در آن هنگام این بنده جوانی ۱۵ یا ۱۶ ساله بودم و اگر چه با رژیم سلطنتی و هر نوع نابرابر و ستمهای اجتماعی با داشتن سن کم و بعدها نیز مبارزه می کردم ولی هرگز عضو حزب توده نبوده ام. هر چند برداشت بسیاری این بود که هر کس علیه رژیم سلطنتی مبارزه کند توده ای است که البته این برداشت و داوزی اشتباه است و در چنین موقعیتی مجید زنگویی ۱۶ ساله چگونه می توانست یکی از فعالان حزب توده بوده باشد؟

بنابراین برخلاف نظر آقای ماشاء الله کازرونی ضمن اینکه احترام خاصی برای ایشان قائلم، اینجانب هرگز عضو حزب توده نبوده ام و این موضوع را تکذیب می کنم.

گرمای طاقت فرسای تابستان و خواب زمستانی

فلات قاره بجای بوشهر در کرج یا شیراز؟



محمد آتیار

شنیده های ما حاکی از آن است که مسئولین شرکت نفت فلات قاره بعد از قریب به پنج سال مقاومت در مقابل تصمیم دولت مبنی بر خروج شرکتهای نفتی از تهران ؛ بالاخره تسلیم شده اند و در حال بررسی گزینه های مختلف برای کوچ از تهران هستند.

حال که مجموعه ی مدیران فلات تصمیم به گردن نهادن به فرمان رئیس جمهور گرفته اند اما اخبار خوشایندی در خصوص گزینه های تحت بررسی آنان به گوش نمی رسد. اگر واقعیت داشته باشد که یکی از گزینه های مورد بررسی آنان شهر کرج است باید گفت که این نقض غرض است و در واقع نه تنها از تهران خارج نشده اند بلکه مشکلی نیز بر مشکلات تهران افزوده اند و آن سیل مسافرانی است که هر روزه از تهران به کرج در رفت و آمد خواهند بود. قدر مسلم ؛ دولت محترم این موضوع را برنمی تابد و این اجازه را به نفت نخواهد داد مگر اینکه مسائل دیگری در کار باشد که ما از آن بی خبر باشیم.

دومین گزینه ای که فلاتی ها مشغول ارزیابی آن هستند انتقال به جزیره ی کیش است. جزیره ای بسیار کوچک؛ زیبا و توریستی در خلیج فارس که هزینه ای زندگی در آن بسیار بالا است و پتانسیل لازم برای پذیرایی از یک شرکت بزرگ نفتی را هم ندارد ؛ اگر چه از چند سال قبل شرکت نفت فلات قاره ساختمانی را در کیش خریداری نموده و دوره های آموزشی کارکنان خود را در آنجا برگزار می کند تا کارمندان با میل بیشتری در دوره های آموزشی حاضر شده و هم فال و هم تماشا را در آنجا به منصه ی ظهور برسانند. البته تامین گاز نیروگاه گازی کیش را نیز فلات بر عهده دارد و گاز را از جزیره ی سیری به کیش منتقل نموده و تحویل نیروگاه می دهد. اما فلاتی ها خودشان هم می دانند که انتقال دفتر مرکزی شرکت به کیش هزینه های زیادی را برآنها و کارمندانشان تحمیل خواهد کرد. فرض کنید یکی از کارمندان شاغل در منطقه ی بهرگان بخواهد به دفتر مرکزی شرکت در کیش برود. این فرد باید پروازی به تهران و سپس از تهران به کیش داشته باشد و حسابی دردسر خواهد کشید.



گزینه ی سوم ساکنان طبقه ی پانزدهم برج خاکزاد ؛ کوچ دسته جمعی به شهر شیراز است. شهر گل و بلبل اگر چه گزینه ی بدی نیست و برخی از پارامترهای لازم برای تبدیل شدن به پایتخت نفتی را دارد اما اگر مسئولین فلات قدری انصاف داشته باشند و فقط به این نکته توجه کنند که بیش از ۷۰ درصد از نفت تولیدیشان در استان بوشهر واقع شده است و در حال تدارک برای ایجاد منطقه ای دیگر دراین استان برای توسعه ی میدان فارسی هستند ؛ آنگاه متوجه خواهند شد که بهترین گزینه برای آنها ؛ حضور در استان بوشهر است؛ تنها در این صورت است که غرض اصلی دولت از کوچ دادن شرکتهای نفتی که همانا نزدیکی به مبادی تولید است محقق خواهد شد.

مدیران ارشد استان به همراه نمایندگان ما در مجلس بایستی در این زمینه فعال شده و با مراکز تصمیم گیری لابی نمایند تا بتوانند این شرکت معظم نفتی را به بوشهر بیاورند اما ظاهراً مسئولین استان ما قصد ندارند حتی در این گرمای طاقت فرسای تابستان هم از خواب زمستانی بیدار شده و قدری به دنبال منافع این مردم بدوند.

در اولین باری که بحث انتقال فلات از تهران به شهری دیگر پیش آمد نماینده ی دور قبل شهر بوشهر (عطارزاده) چنان مخالفتی نمود که هیچ کس نمی تواند تا ابد چنان ضربه ای بر استان وارد نماید. البته ایشان بعدها پی به اشتباه مهلک خود برد و به دنبال بازگرداندن آب رفته به جوی بود که در آن راه توفیق نیافت و برای دور بعد هم حتی فرصت رقابت پیدا نکرد که به دلیل آن کاری نداریم اما مطمئن هستم اگر از سوی شورای نگهبان تایید هم می شد با آن اشتباه فاحشش دیگر نمی توانست نظر مثبت مردم مرکز استان را به خود معطوف نماید. امیدوارم تا فرصت باقی است (اگر از دست نرفته باشد) مسئولین استان به خود آیند و در این خصوص چاره اندیشی کنند.

منبع:http://www.yasgolbaba.blogfa.om/

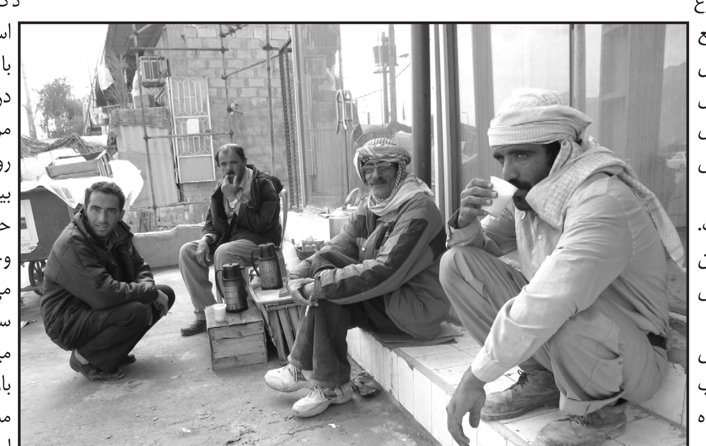
عسلویه

بوی گاز، آلودگی و فقر

عسلویه تا پیش از سال ۱۳۷۸ روستایی با جمعیتی کمتر از دو هزار نفر و یکی از ده ها روستای تابعه شهرستان کنگان بود. با استقرار تاسیسات پالایشگاهی در منطقه عسلویه، این روستا به «بخش» ارتقا یافت و به جمعیت ساکن در این منطقه حدود ۶۰ هزار نفر نیروی کار که بیشتر آنها را کارگران مجرد تشکیل می دادند، افزوده شد. شروع استقرار تاسیسات صنعتی در این منطقه، باعث رفع مشکل بیکاری در منطقه استان بوشهر و حتی بخش هایی از استان های مجاور شد. با این وجود، مشعل های پالایشگاه های منطقه که یکی از در آمدهای اصلی برای کشور نیز به شمار می آید باعث آلودگی شدید محیط زیست در منطقه شده است.

عسلویه به پایتخت اقتصادی ایران معروف است. اما مردمی که در مهم ترین منطقه اقتصادی ایران زندگی می کنند از داشتن امکانات اولیه زندگی محرومند.

در عسلویه درجه حرارت در تابستان گاهی به بالای ۵۰ درجه می رسد با این وجود مردم آب قابل شرب ندارند. سالها است که مسوولان به مردم منطقه وعده می دهند که به زودی در لوله های آب شهر به جای آب شور، آب شیرین و قابل استفاده جریان خواهد یافت اما تاکنون چنین اتفاقی رخ نداده است.



در گرمای هوای عسلویه شیر آب را باز می کنم و به صورتم می زنم و کمی مزه می کنم. مزه وحشتناک و سوزش چشمانم باعث می شود که حس کنم با آلوده ترین آب زمین صورتم را شسته ام. با یکی از بومیان منطقه به سراغ آب انبارهایی در حومه شهر می رویم که در کنارش تانکر های آب پارک کرده اند. آبی که در آب انبارها نگهداری می شود هیچ حصاری ندارد و بوی بد آن را از فاصله چند متری می توان حس کرد. درون آب می توان حشرات مرده و پلاستیک های معلق در سطح آب را دید. این آب قابل شرب منطقه است که توسط این تانکر ها به دستگاه های آب شیرین کن برده می شود. مزه آبی که از آب شیرین کن ها تهیه می شود نیز متفاوت و طعم دار است.به علت اجبار در استفاده از این آب، مردم منطقه اکثراً دچار بیماری هایی نظیر سنگ کلیه، سوزش چشم، ناراحتی های پوستی و غیره هستند.

دکتر غلامی که چند سالی است تنها دکتر روستای چاه مبارک در نزدیکی عسلویه است، می گوید: بیماری های حساسیتی، قلب و عروقی شایع ترین بیماری های منطقه است. مردم به علت زندگی کردن در محیطی که در سطح آن مواد گوگردی و شیمیایی پراکنده است بعد از مدتی به همه این بیماری ها دچار می شوند.

وی نبود آب سالم را بزرگترین مشکل مردم عسلویه و روستا های اطراف می داند و ادامه می دهد: مردم به انواع بیماری های انگلی به دلیل استفاده از همین آب مبتلاهستند.

وقتی از او درباره استفاده از آب شیرین کن ها می پرسم، تاکید می کند: این دستگاه ها هم آلودگی خاص خودشان را دارند. آنها آب شور و غیر بهداشتی را تا حدی تصفیه می کنند. اما در این دستگاه ها بعد از مدتی براده آهن و سربی که در لوله ها به کار رفته باعث به وجود آمدن خیلی از بیماری ها نیز می شود.

دکتر غلامی که حدود ۶ سال است سابقه کار در منطقه را دارد وجود انواع آلرژی در میان کودکان را بسیار شایع می داند که نسبت به سال های گذشته ۵ تا ۶ برابر شده است. وی درمان این بیماری ها را که به علت زندگی کردن در این محیط به وجود آمده است تنها درمانی موقت می داند که در بعضی مواقع آسم و بیماری های قلب و عروقی باعث مرگ بیماران می شود. دکتر غلامی تنها راه جلوگیری از این فجایع انسانی را استفاده مردم از آب سالم و هوای سالم می داند.

با وجود این آلودگی های شدید آب و هوای منطقه در عسلویه بیمارستانی وجود ندارد. سه سال است که مردم منتظرند ساختمان نیمه کاره تامین اجتماعی روزی به پایان برسد و آنها مجبور نباشند برای بیماری های جدی به شهر های دیگر بروند. در حال حاضر شهر تنها مجهز به یک بهداری است.

وجود مشعل های همیشه روشن در این منطقه را می توان عامل اصلی آلودگی شدید هوا دانست. سوختن این مشعل ها باعث پراکندگی گوگرد به میزان زیاد در هوای منطقه می شود. اما مسوولان باز هم تنها وعده می دهند که به زودی برای این مشعل ها فیلتر قرار می دهند اما مشخص نیست که این زمان کی فرا می رسد.

در یک برخورد منطقی نمی توان صورت مساله را پاک کرد و برای جلوگیری از آلودگی محیط زیست، پالایشگاه نساخت بلکه ضمن اینکه پالایشگاه را می سازیم باید با به کارگیری فیلتر، ایجاد فضای سبز و راهکارهای دیگر از آلودگی هوا و آب منطقه کاست.

نوسانات شدید برق در منطقه یکی دیگر از معضلات جدی است که باعث می شود در روز برای ساعاتی برق منطقه قطع شود. این در تابستان یعنی تحمل گرمای شدید بین ۴۰ تا ۵۰ درجه برای مردم بومی عسلویه. (که بحمدالله می گویند این مشکل حل شده ولی بعید می دانم.)

در حالی که مردم عسلویه در بزرگ ترین منطقه تولید انرژی در جهان زندگی می کنند، در این منطقه لوله کشی گاز وجود ندارد و مردم باید هر چند وقت در انتظار ماشین های حمل کننده کپسول های گاز باشند. جالب است که از عسلویه برای کشورهای دیگر گاز صادر می شود اما نه برای مردم شهر.

(سیمای سهمو)

ذبیح الله منصوری از مترجمی تا نویسندگی

عبدالرضا شهبازی (استاد زبان انگلیسی دانشگاه آزاد دیلم)

نخستین بار که با نام مرحوم ذبیح الله منصوری آشنا شدم هنگامی بود که کتاب «سفرنامه ماژلان» نوشته ی «جیوانی آنتونیو پیگافتا دو لومبارد» و البته با ترجمه ی منصوری به دستم رسید. خواندن این سفرنامه زیبا و پرماجرا برای منی که دوره ی نوجوانی خود را طی می کردم، سرشار از خیالات روزانه و رویاهای شبانه بود. نثر روان، متوسط و به قول مرحوم کریم امامی، "نمور و نمناک " منصوری، نثری همه فهم بود که با پاورقیهای گاه و بیگاهش خواندنی تر می شد.

پس از این آشنایی اولیه، کتابهای خداوند الموت (پل آمیر)، خواجه تاجدار (ژان گور) و چند کتاب دیگر از جمله سه تفنگدار (الکساندر دوما) و در سطحی نازلتر و کمتر کلاسیک، کتاب " چگونه یک تبهکار آمریکایی شدم" را خواندم. در این دوره که منصوری را کشف کرده بودم و هر کتابی را که از او به دستم می رسید می خواندم کمتر به امانت در ترجمه فکر می کردم و اصلاً این مسئله آن زمان چندان برایم شناخته شده نبود. اولین شوکی که پس از این همه منصوری خوانی بر من وارد شد، خواندن مقاله ی " پدیده ای به نام ذبیح الله منصوری " به خامه مترجم معاصر، مرحوم کریم امامی بود. امامی در این مقاله که بعدها جزء چند مقاله ی کتاب "از پست و بلند ترجمه " شد، با مقابله متن انگلیسی کتاب زندگی استالین و ترجمه ی فارسی آن به قلم منصوری، نشان می دهد که مترجم چه قدر از عنصر خیال در ترجمه خود بهره برده است.

افزودنهای من عندی از جانب مترجم، تحریف سبک کتاب، پرورش داستان بگونه ای که خود در خیال تصویر کرده، از جمله نکاتی بود که امامی از طرز کار منصوری در آن مقاله نشان داد. امامی در آن مقاله می گوید که شخصیت هایی به نام پل آمیر و ژان گور بترتیب خالق خداوند الموت و خواجه تاجدار وجود خارجی نداشته اند و همه زاییده خیال منصوری بوده اند آن هم با این طول و عرضشان.



شاید تبدیل جزوه ای ۴۰ صفحه ای از آنری کربن فرانسوی به کتابی ۶۰۰ صفحه ای را بسیاری از کسانی که اهل کتاب و کتابخوانی اند بدانند. همچنین مرحوم خواندن آنری کربن در مقدمه کتاب در عین زنده بودن کربن و شگفتی مضاعف کربن از داشتن کتابی نانوشته و شنیدن خبر مرگش از قلم مترجمی که یکبار نیز در طول عمرش ندیده بود.

منصوری با زبان فرانسه آشنایی داشت و عمده ترجمه هایش را از طریق همین زبان انجام داد. با انگلیسی و آلمانی نیز آشنایی نسبی داشت. عربی و قواعد آن را نیز در سنین کودکی در مکتب خانه ها آموخته بود. می گویم آشنایی و نه تسلط بر فرانسه زیرا اندک مقابله ترجمه های منصوری با اصل فرانسه مشخص می سازد که منصوری به هیچ روی از ظرافتهای این زبان آگاهی نداشته است و شاید همین امر و نفهمیدن برخی قسمتهای کتاب به علاوه قدرت بسیارش در تصویر سازی و داستانسرایی آثاری از او آفرید که بی هیچ مجامله ای در بسیاری موارد نامیدن نام ترجمه بر آنها محل اشکال است. و شاید به همین سبب باشد که امروزه بر روی جلد ترجمه هایش می نویسند:" ترجمه و اقتباس ".

منصوری علیرغم آنچه گفته شد اکنون نیز خواننده های خود را دارد و هنوز کتابهایش پرفروش است. شاید از منظر اصول، قوانین و اخلاق ترجمه، منصوری اکنون سخت مورد نکوهش بسیاری از مترجمان و کتابخوانهای حرفه ای باشد ولی در این نیز نمی توان تردید کرد که به همت او و ترجمه هایش بود که بسیاری از جوانان دهه های چهل، پنجاه و شصت به خواندن راغب شدند و به دنیای کتاب راه یافتند. و اصولا بسیاری از کتابخوان های حرفه ای امروز به نوعی شروع کار خود و ایجاد عادت به مطالعه در خود را مدیون کتابهای منصوری هستند. نثر ساده و بی تکلف او و مسلماً تاثیر بسیار مهمی در ایجاد این علاقه داشته است.

ولی شاید بهتر آن باشد که هرگاه اراده می کنیم کتابی از منصوری بخوانیم و یا کسی نظر ما را در خواندن و یا نخواندن آثار منصوری پرسید، فکر نکنیم که منصوری کتابی را ترجمه کرده است بلکه باید فکر کنیم منصوری با الهام از این جا و آن جا و در بهترین حالت ممکن با فاصله گرفتن های بسیار از متن اصلی، کتابی از خود نوشته است. باید از این نوشته لذت برد نه از این که این کتاب ترجمه فلان اثر از بهمان نویسنده خارجی است. خدایش رحمت کند.

عدم نظارت صحیح وزارت کار در پارس جنوبی:

مهمترین عامل عدم تحقق مصوبه ۵۰ درصد اشتغال نیروهای بومی

عبداله آب آذر

پارس جنوبی همواره نقطه مهمی برای اشتغال جوانان استان محسوب می گردد اما متاسفانه تا کنون چه در این دولت و چه در دولتهای پیشین به این امر مهم توجه چندانی نشده است و تمامی قولها و وعده هایی که از سوی رئیس جمهور یا مقامات نفتی بیان می شود به مرز عمل نرسیده و در حد یک شعار باقی مانده است.

مصوبه اشتغال ۵۰ درصدی نیروهای بومی در پارس جنوبی که در دور اول سفر استانی هیئت دولت به تصویب رسید هنوز محقق نشده است و بیشتر از این شعار برخی مدیران پارس جنوبی استفاده های شخصی برده اند و برای پوشاندن ضعف های مدیریتی خود بطور مرتب از تحقق این شعار و یا انتقاد از عدم تحقق آن سخن می گویند.

به طور مثال در سازمان منطقه ویژه که بیش از ۷۰ درصد نیروهای مدیریتی و پرسنلی آن غیر بومی می باشند. همواره مدیرعامل آن سازمان در کنفرانسهای مطبوعاتی بر افزایش اشتغال نیروهای بومی سخن می گوید اما در عمل می بینیم که چنین سخنانی بیش از اینکه یک عمل باشد یک ابزار برای تحقق اهداف خاص خود شده است. سازمان منطقه ویژه نهاد خدمات اشتغال ایجاد نموده که در راس آن آقای حاجیانی نماینده پیشین و کاندیدای انتخاباتی دوره قبل شهرستانهای دیر، کنگان و جم در مجلس شورای اسلامی قرار دارد.

مدیریت اشتغال پارس جنوبی تاکنون نتوانسته آنچه که شایسته استان بوشهر است را به ارمغان آورد . سئوال اینجاست که آیا در این واحد ضعف مدیریتی وجود دارد یا اینکه راه اندازی چنین واحدی در عمل بی تاثیر بوده و کارایی چندانی نخواهد داشت. واحدی که حتی به بخش خصوصی (کاریابی های خصوصی) هم ضررهای هنگفتی رسانده است. اما بیشتر آنچه که پیداست این است که علت عدم تحقق اشتغال ۵۰ درصدی نیروهای بومی، ضعف مدیریتی و عدم وجود اقتدار کافی در راس امور اشتغال پارس جنوبی است. برای مثال می توان به اشتغال نیروهای سفارشی برخی از مدیران نفتی در همین سازمان اشاره کرد. چرا و به چه دلیل مدیریت اشتغال پارس جنوبی که خود نیز بومی است تن به پذیرفتن چنین نیروهایی آن هم در سازمانی که خود نظارت مستقیم دارد، داده است؟!

برای اینکه این موضوع برای مخاطبان بیشتر روشن شود نیاز است وظیفه خدمات اشتغال را شرح دهیم. متقاضیان کار به خدمات اشتغال مراجعه و به طور حضوری یا اینترنتی ثبت نام نمایند تا در آینده فرصت شغلی ایجاد یا شناسایی شود و پس از آن با متقاضی تماس گرفته و به کار معرفی می شود.

اما با توجه مصوبه هیئت دولت که ۵۰ درصد نیروهای مشغول به کار باید بومی باشند، ابتدا باید در بانک اطلاعاتی سازمان منطقه ویژه جستجو شود، پس از آن در خدمات اشتغال دولتی یا غیردولتی استان اعلام گردد که درصورت نبودن نیروهای درخواستی می توانند از نیروهای غیربومی ثبت نام شده در بانک اطلاعات خود استفاده نمایند. نه اینکه شرکتها در همان روز درخواست نیرو کنند چندین نیروی مورد نظر شخص مدیریت اشتغال سازمان آن هم فقط از یک نقطه استان و بقیه نیروهای درخواستی را خود شرکتها معرفی و همان روز ثبت نام و همان روز هم معرفی به کار شوند. سئوال اینجاست که آیا واحد اشتغال سازمان منطقه ویژه پایگاهی برای استفاده های شخصی است. باید گفت متاسفانه همین نگاه ها سبب شده تا مصوبه ۵۰ درصدی اشتغال بومی ها تحقق پیدا نکند و اگر همین راه ادامه پیدا کند نه تنها افزایش حضور بومی ها را شاهد نخواهیم بود بلکه باید انتظار آن روز را داشته باشیم که شاهد کاهش حضور بومی ها در پروژه های پارس جنوبی باشیم.

موضوع دیگر این است که آیا واحد اشتغال منطقه ویژه برای همین نوع کارها ایجاد شده است. این کارها که در اداره کار هم انجام می شد و شاید بهتر از این نهاد کار می شد؛ چون به هر حال تخصص این کار را داشتند. اما آنچه که پیداست از همان روزی که این نهاد در این سازمان برپا شده بیشتر برای اینکه مدیران منطقه ویژه برای تأمین مقاصد و برای به کار گماری افراد سفارش شده استفاده شده است. اگر این مطلب نادرست است باید مدیران این سازمان پاسخ منطقی و آمار دقیقی داشته باشند که این موضوع را رد کند و نیاز است که همین کار را هم کنند تا بر همگان مشخص شود که از زمان راه اندازی این واحد چه تعداد نیروی بومی شاغل شده اند و آنهایی هم که شاغل شده اند بیشتر از چه نقطه ای از استان بوده است.

مدیر عامل پارس جنوبی در کنفرانسهای مطبوعاتی که خود بر موضوع اشتغال بومی ها تاکید زیادی داشتند و آقای رضوی را متهم به بکارگیری افراد غیربومی در این سازمان می کردند. اما اینک خود وی نیز باید یک بازنگری عمیق در تمامی قول ها و وعده های که به مردم استان داده اند را داشته باشند و ببینند تا چه حد در راستای تحقق مصوبه ۵۰ درصد اشتغال نیروهای بومی موفق بوده اند. به هر حال روی سخن ما با وزارت کار و امور اجتماعی است چرا که این موضوع را آنها می بایست پاسخ دهند زیرا عدم نظارت کافی آنها در پارس جنوبی سبب شده است تا مصوبه ۵۰ درصدی اشتغال نیروهای بومی تحقق پیدا نکند.

پرسش پایانی این است که آیا واحد اشتغال پارس جنوبی آیین نامه داخلی دارد و یا اینکه خود سلیقه ای می کنند. به هرحال حاصل این بی توجهی ها ، چیزی جز لطمه به جوانان بیکار و مستعد منطقه عسلویه و در کل استان نیست.

نیروی جوانی ،هنر ایرانی،اندیشه جهانی

(گفتگو با مدیرعامل شرکت پی ریزان کیارش: مهندس کیارش ایراندوست)

خداوندا مرا در هر کاری با صداقت وارد کن و با صداقت از آن خارج کن.
بدانکه بزرگی و بزرگی تو از خداست.
هر واقعه ای در آغاز بصورت رویاست- اما به گفته ویکتور هوگو " هیچ چیز به اندازه رویا در ساختن آینده موثر نیست. مدینه ی فاضله امروز واقعیت های فردا و ثمره رویاهای دیروزند". از سوی دیگر فیلسوف آلمانی آرتور شوپنهاور می گوید: همه حقایق برای اینکه پذیرفته شوند از سه مرحله می گذرند، ابتدا مورد تمسخر واقع می شوند، سپس با خشونت مورد مخالفت قرار می گیرند و سرانجام به عنوان امور بدیهی پذیرفته می شوند.
در زمینه های اقتصاد و بازرگانی باورهای غلطی وجود ارد که ما را به سرازیری رکود اقتصادی سوق می دهد. این درست که اقتصاد در بخش مسکن و برخی جاها با رکود مشکلاتی مواجه است با این حال می توان در سایه تفکر ، قدرت و اراده گامی مهم در راه عبور از این مشکلات برداشت.
داشتن یک برنامه پایه ای و اصولی بطورحتم در برون رفت از مشکلات موثر است. متاسفانه در بخش مسکن هنوز از داشتن برنامه ای دقیق و مطابق با شرایط مختلف اقلیمی و منطقه ای استانمان، رنج می بریم.
انبوه سازان ایرانی مسکن مهر را برای اثبات توانمندی هایشان و دیدگاهی که برای ساخت و ساز در کشور دارند، جایگاهی مناسب می دانند . ساخت شهرک گلستان گناوه یا پروژه های آبرسانی و پرگان یا .... چندی از این موارد می باشد.
یکی از این شرکتهای انبوه ساز که بزرگترین واحد در حال ساخت مسکن مهر در استان را در دست اجرا دارد شرکت پی ریزان کیارش است. مهندس کیارش ایراندوست مدیر عامل این شرکت در گفتگو با خبرنگار ما نقش و جایگاه انبوه سازان در استان و کشور و مسکن مهر را تبیین می کند.
وی با اشاره به عملکرد شرکت پی ریزان کیارش گفت: این شرکت هفت سال است که فعالیتش را بصورت رسمی آغاز کرده است، تا قبل از ورود به بخش ساخت و ساز مسکن مهر در مجموع مجری ساخت ۷۳۰ واحد مسکونی بودیم.
در حال حاضر نیز ساخت ۱۲۴۰ واحد مسکونی در شهرستان های استان بوشهر و استان فارس می باشیم.
مدیر عامل شرکت پی ریزان کیارش اضافه کرد: انبوه سازی در این برهه زمانی یک راه حل است ما کشور جوانی داریم و تقاضا برای مسکن در حال افزایش است.
انبوه سازان نیزبا سرعت و دقت بیشتری مسکن را می سازند . البته انبوه سازی در کشور ما با مشکلاتی روبروست از جمله اینکه در فرهنگ ما اعمال سلیقه ای در بخش مسکن ،از شخصی به شخص دیگرفرق می کند از این رو هماهنگی با سازمانها و نهادها برای انبوه سازی ساختمان در جامعه ما مشکل است.

- برای آغاز گفتگو خودتان را معرفی کنید و درباره زمینه فعالیت شرکت تان توضیحاتی ارائه نمائید؟
- کیارش ایراندوست، مدیر عامل شرکت پی ریزان کیارش هستم. فعالیت اصلی شرکت ما مدیریت پروژه های ساختمانی و اجرای انبوه سازی، اجرای کارهای صنعتی اعم از اجرای پروژه ی نیروگاهی و دریایی و راهسازی می باشد. آنچه برای ما اهمیت دارد کیفیت اجرا در پروژه های مختلف است که نمی توان به راحتی از کنار آن گذشت. تبیین این موضوع هم از مواردی است که ما بر عهده خود می دانیم.
- بوشهر را از دید یک مهندس چطور تعریف می کنید؟
- بوشهر از نظر شهرسازی بافت قدیمی دارد ولی از نظر پروژه های عمرانی، استانی بسیار غنی می باشد که شرکت های بومی کمترین سهم را بعلت داشتن مردمان بسیار نجیب و خونگرم در راستای ساخت و ساز دارند.
- شرکت پی ریزان کیارش که مهندس نیک زاد (وزیر تهیه مسکن و شهرسازی) آن را تشویق کرده است، چه سوابقی در عرصه داخل کشور دارد؟
- شرکت پی ریزان کیارش حدودا ۱۰ سال سابقه فعالیت در زمینه راهسازی مسکن و غیره دارد. از سوی دیگر این شرکت تبلیغ کننده خدمات فنی - مهندسی است. از این رو بعد از این همه سال کسب تجربه وقتی مسکن مهر در کشور جدی گرفته شد و مشکلات سر راه شرکت ما برچیده شد، در سال همت مضاعف و کار مضاعف وظیفه خودمان دانستیم تا با دانش و توان ایرانی گامی هر چند کوچک برای کشورمان برداریم. به همین علت پروژه هایی که از سال گذشته در حال

ما در حال حاضر ۵۰ نفر نیروی فنی وستادی داریم و حدودا ۳۰۰ نفر نیروی فنی و کارگاهی در پروژه مشغول بکارند

اجرا داشتیم با برنامه ای بهتر و منظم تر و بعد از جلب اعتماد مسوولان دنبال کنیم و فعالیت خودمان را شروع کردیم.
- فکر می کنید موفق شدید به اعتماد آنها پاسخ دهید؟
- از آنجائیکه توان شرکت ما با بهره گیری از مهندسان و کارگران ماهر بسیار بالاتر از این است، به نظر خودم هنوز به حد مطلوب کارایی شرکت نرسیدیم. اگر بستر فراهم شود، توان و تجربه خودمان را نشان می دهیم. هر چند که شاید این نوع کار کردن برای شرکت ما دردسرهایی هم داشته باشد، ولی ایرانی باید برای ساختن کشورش به خصوص استانش از جان مایه بگذارد.
- اگر امکان دارد توضیحی در مورد نام شرکت بدهید؟



- پی ریزان کیارش - پی ریزان به گروهی اطلاق می شود که پی- شالوده و یا اساس ساختمان و یا بنای عمرانی را اجرا می کنند و کیارش هم از نام خودم گرفته شده است.
- تاریخچه ای در خصوص فعالیت شرکت بصورت خلاصه بفرمائید؟
- شرکت در سال ۱۳۸۰تاسیس شده است و در همان زمان تا اخذ رتبه از سازمان مدیریت و برنامه ریزی که در سال ۱۳۸۳ محقق گشت در نیروگاه اتمی بوشهر مشغول کارهای پیمانکاری در بخش نیروگاهی و اجرای فونداسیون توربین ژنراتور، احداث مخزن ده هزار متر مکعبی آب شرب و غیره بوده ایم و بعد از اخذ رتبه در همان سال چند پروژه همزمان از جمله احداث ساختمان حلزونی شکل شرکت پخش فرآورده های نفتی منطقه امیدیه، احداث ساختمان ناحیه مرکزی شرکت نفت ناحیه آبادان،احداث راه خیابان شهید اسلامی شهرستان برازجان ، احداث نمازخانه کنگان را اجرا نمود. بعد از اجرای تقریبا ۵۰ الی ۶۰ درصد پروژه ها ما بین شرکاء مشکلاتی بوجود آمد که بعد از حل و فصل نمودن آن در سال ۱۳۸۴ تملک شرکت و مدیریت آن به اینجانب محول گردید که اینجانب تا سال ۱۳۸۵ وقت خود را صرف پایه گذاری شرکت ، تحویل پروژه های عقب افتاده و ساماندهی نمودم.
پس از بررسی وضعیت اقتصادی و پروژه های عمرانی در کشور شرکت تصمیم گرفت که یک قسمت از کارها را به اجرای پروژه های تعاونی مسکن و انبوه سازی اختصاص بدهد و قسمت دیگر همچنان مشغول پروژه های دولتی از جمله نیروگاه اتمی سازمانهای دیگرباشد. بالاخره در سال ۱۳۸۵ شروع به احداث ۳۶ واحد مسکونی که شامل ۱۷ بلوک بوده کرد و هم اکنون هم فعالیت اصلی شرکت در مسکن مهر در کشور می باشد.
هم اکنون دو پروژه در برازجان که یکی پروژه احداث ۴۳۲ واحد مسکونی در آبرسانی و ۳۴۰ واحد مسکونی در پرگان، احداث ۱۴۴ واحد مسکونی در شهرک گلستان گناوه و احداث ۱۴۴ واحد مسکونی درفیروز آباد می باشیم که خدا را شکر با برنامه ریزی دقیق اکنون ۵۰ درصد و در بعضی پروژه ها حدودا ۴۵ درصد پیشرفت فیزیکی داشته ایم.
- آیا مبدا شرکت و محل تاسیس آن بوشهر است؟
بله، شرکت در بوشهر ثبت شده و بومی می باشد.
- آیا استاندارد خاصی در شرکت رعایت می شود؟
- بله، این شرکت افتخار دارد که همزمان اقدام به اخذ مدرک iso,ims شامل سه بخش iso iso,۹۰۰۱ iso,۱۴۰۰۱ ۱۸۰۰۱ نموده است.
- چه عواملی را در کیفیت ساخت و ساز در مسکن مهر مهم می دانید؟
- مصالح خوب در عمر ساختمان موثر است . در کشور ما هنوز هم کیفیت بد مصالح وجود دارد که این موضوع از دست انبوه ساز خارج است.
موضوع دیگر نظارت صحیح است و برخی مسائل نظیر دستمزدهاست ، اگر دستمزد مکفی نباشد، در کیفیت ساختمان هم موثر است.در حقیقت نظارت کافی روی ساخت و سازهاست. اما از سوی انبوه سازان نظارت دقیق تری بروی ساخت و ساز صورت می گیرد.
- ارزیابی تان از مجموعه انبوه سازی در بوشهر چطور است و فکر می کنید هر چه به سمت مکانیزه شدن صنعت ساختمان بریم چقدر تاثیر دارد در روند کمی و کیفی ساخت و ساز در استان بوشهر؟
- انبوه سازی در ایران جا نیفتاده است. بیشتر پروژه های مسکن مهر به روش سنتی اجرا می شود، اگر صنعتی سازی را از مسکن مهر شروع کنیم، بسیار عالی است، اما متاسفانه به دلیل عدم نقدینگی و هزینه های بالا صنعتی سازی این امر مسکن نمی باشد. اگر رتبه بندی انبوه سازی با حساسیت





ما توانایی ساخت هزار واحد را در کمتر از یکسال داریم و با توجه به سیستم مدیریتی نوین در شرکت توانایی اجرایی بالایی داریم که در صورتیکه مسئولین اعتماد نمایند سعی می کنیم که سربلند بیرون بیاییم

بیشتری صورت گیرد و به شرکتهای بومی توسط مسئولین به خصوص مسکن و شهرسازی اعتماد بوجود بیاید باعث می شود که شرکتهایی که توانایی اجرای کار دارند قویتر گردند تا جائیکه بتوان بعنوان شرکت ممتاز به استانهای دیگر معرفی گردند.
- چطور شد که شما به سمت انبوه سازی رفتید؟
- در استان مااکثر کارهای حجیم و از نظر ریالی سنگین توسط شرکت های فرا استانی اجرا می شود و شرکت های فعال در استان محروم از اجرای این گونه پروژه ها هستند و طبیعتا شرکت های استانی در این زمینه ضعیف نگه داشته می شوند، یعنی از بنیه مالی پایینی برخوردار خواهند شد. یکی از مسائل و دلایل مهم که می تواند هر شرکتی را در سطح استان قوی یا ضعیف سازد اخذ رتبه هایشان جهت ارتقاء می باشد. از نظر بنیه مالی و باور پذیری برای افزایش توان اجرایی شرکتهای درونی استان ضعیف عمل خواهند کرد. مثلا ابتدا به ساکن به هر شرکتی که در خواست اخذ رتبه کند ما براحتی رتبه تشخیص صلاحیت پیمانکاری می دهیم، در صورتی که همین موضوع نیز در آینده معضل کاری به وجود می آورد. کما اینکه هم اکنون ۷۸۰ شرکت رتبه بندی شده در استان داریم که متاسفانه از این شمار شرکت اکثرا بیکار هستند و حیات ندارند، و نمی توان گفت که واقعا شرکت هستند. متاسفانه بعد ازاخذ رتبه پنج فعالیت شرکت هر چه بیشتر می شود ارتقاء رتبه نیز در استان بوشهر سخت تر اتفاق می افتد.
به ناچار ما نیز از شاخه ی انبوه سازی به لحاظ اینکه کننده ی کمتری در این زمینه در استان وجود داشت شروع به فعالیت کردیم . بنابراین این شرکت را از نظر فنی و تجهیزاتی و مالی تقویت کردیم و بعد از ان تصمیم گرفته که کارهای صنعتی را در کنار انبوه سازی به فعالیت های شرکت اضافه کنیم.
- آیا بخش انبوه سازی از ریسک بالایی برخودار است؟
- بله، صد در صد کار پیمانکاری از ریسک بالایی برخورداره- انبوه سازی تماما ریسکه و اگر شما در مدیریت شرکت های عمرانی ریسک را نپذیرید نمی توانید که پیشرفت کاری داشته باشید.
- برنامه خاصی برای توسعه فعالیت شرکت در خارج از استان دارید؟
- در منطقه فارس و در شیراز هم اکنون مشغول اجرای پروژه ای هستیم، ولی کار در استان های دیگر بسیار دشوار است. مثلا در شیراز مسئولین در حد امکان دست در دست هم داده اند و حمایت بسیار زیادی از شرکت های بومی خودشان می کنند و سعی می کنند که شرکت های خارج استان را وارد استان خودشان نکنند . برخلاف استان ما. ولی فکر کنم ما جزء محدود شرکتهایی باشیم که به سختی توانسته ایم فراتر از استان خودمان پروژه ای را اجرا کنیم. اما با توکل به خدا با تمام سختی هایی که وجود دارد، در شیراز داریم کار می گیریم. سازمان مسکن و شهر سازی شیراز ما را برای پروژه های بعدی به مناقصه دعوت کرده ، همچنین از استان اهواز نیز به مناقصه یک پروژه ۱۵۰۰ واحدی دعوت شدیم که در دست بررسی است. سازمان مسکن و شهرسازی کرج نیز به یک مناقصه ۴۵۰۰ واحدی دعوتمان کرده که در حال بررسی پروژه هستیم.
- با توجه به این که شما یکی از اعضای هیئت مدیره انجمن آبادگران هم هستند، فکر می کنید که همکاری های بین بخشی سازمان های و دستگاه های اجرایی استان و بخش خصوصی چه تأثیری بر ساخت و ساز و خصوصا انبوه سازی داره؟
- یکدست شدن مسئولین و اتخاذ تصمیم قاطع مبنی بر بکار گماردن و دادن پروژه های استان فقط به شرکتهای بومی باعث قویتر شدن شرکت های بومی می گردد. متاسفانه این موضوع تاکنون فقط شعار بوده و عملی نگردیده است. در صورتیکه در داخل استان شرکتهای بسیار توانائی وجود دارد که با حمایت و اعتماد مدیران ارشد استان به این شرکتها باعث فنی تر شدن شرکتها می گردند. و شرکتهای بومی باید با حمایت از انجمن آباد گران قدرت خود را در تصمیم گیری های کارهای عمارنی به گوش مسئولین برسانند. همانطور که می دانید تاکنون حدودا ۷۸۰ شرکت رتبه بندی شده در استان داریم.
- مشکلات کار شما در پروژه انبوه سازی مربوط به چه حوزه ای است؟
- متاسفانه مشکلات کار انبوه سازی در استان عمدتا به این موضع باز می گردد که کار فرما جهت انتخاب مشاور برای طراحی پروژه به جای اینکه مناقصه برگزار کند و از میان مشاورهای با تجربه گروهی را انتخاب کند که هم تجربه طراحی در منطقه را داشته باشد و هم طراحی بهینه انجام داده باشند، این انتخاب بدون مناقصه انجام می پذیرد.و پس از انجام و ارائه طراحی توسط مشاور سازمانی که باید طرحی را بررسی کند، که آیا طرح از نظر مالی ، از نظر فنی و اجرایی بهینه و به صرفه است یا خیر وجود ندارد و یا بهتر عرض کنم این کنترل انجام نمی شود. و یا افراد متخصص را در سازمان های مربوطه نداریم که طرح مشاور را بررسی کند ایرادات و نکات را به مشاور اعلام کنند تا رفع شود. طبیعتا با توجه به عدم آشنایی مشاور با شرایط جوی و اقلیمی و سایر فاکتورهای طراحی در استان طرح فاقد سازگاری اجرایی است، مثلا حجم بسیار بالایی از مصالح باید صرف شود که هم هزینه و هم وقت زیادی را می طلبند.
مورد دوم اینکه متاسفانه هنوز دید و نظر مثبتی از طرف افکار عمومی دستگاه های دولتی نسبت به پیمانکار وجود ندارد. این طبیعی است که باید تفاوت قائل شد بین یک مجموعه ی عمرانی که بازوی دستگاه های اجرایی می باشد و بالغ بر ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر پرسنل دارد و اشتغال ایجاد کرده با یک شغل دیگر.
متاسفانه تا این دیدگاه توسط دستگاه های اجرایی اصلاح نشود پیمانکران را در سطوح بالای اجرایی و فنی نمی توان دید. تمامی اشکالاتی که پیمانکاران از پروژه ها و طرحها می گیرند ، توسط کار فرما نادیده گرفته می شود که این نیز معظلی است.
- تعداد افراد شاغل در شرکت شما چند نفر است؟
- ما در حال حاضر ۵۰ نفر نیروی فنی وستادی داریم و حدودا ۳۰۰ نفر نیروی فنی و کارگاهی در پروژه مشغول بکارند.
- چطور این هه پرسنل در شرکت را مدیریت می کنید؟
- مدیریت شرکت به شش معاونت تبدیل می شود که معاونت ها شامل : ۱) مالی واداری ۲) پشتیبانی ۳) عمرانی ۴) فنی و برنامه ریزی ۵) ایمنی و بهداشت ۶) نماینده مدیریت در شاخه ایزو و کنترل کیفیت فعالیت دارد، تقسیم می شوند و بعد از آن نیز هر قسمت بصورت جداگانه تقسیم بندی خودش را دارد مثلا در قسمت مالی و اداری یک مدیر مالی و یک مدیر اداری دارد و سیستم های پایین تر، پشتیبانی به همین صورت و دفتر فنی و معاونت برنامه ریزی نیز مدیر فنی و مدیر برنامه ریزی دارد و زیر شاخه های بخش ها به صورت چارت اجرایی طراحی و تقسیم بندی شده اند.
- شما خودتان در حوزه اجرایی کار چقدر دخالت دارید؟
- قسمت اجرایی کار زینت پروژه و هدف نهایی یک شرکت پیمانکاری می باشد. شرکتی که یک پروژه ای در دست می گیرد با تمیز و کامل و فنی اجرا کردن کارش می تواند شناسنامه ای از خودش بجا بگذارد. ما در پروژه هایی مثل برازجان که توجیح اقتصادی داشته سعی بر خارج شدن از سیستم سنتی نظیر دستگاه های بتن ساز دستی و غیره و تبدیل سیستم اجرایی شرکت به مکانیز و مدرن کردن دستگاه ههای کارگاه کردیم. اقدام به مجهز کردن کارگاه های برازجانمان به دستگاه بچینگ کردیم و همچنین در اجرای کار ما سعی بر بهینه کردن شیوه های اجرایی کردیم و در قسمت دفترفنی نیز واحد QC طراحی شده که این واحد فقط و فقط شیوه ی کار پرسنل اجرایی را بررسی می کند و عکس می گیرد و گزارش تهیه می کند و به صورت هفتگی نفر برتر و نفر ضعیف تر را معرفی می کند که نفر برتر پاداش می گیرد و به نفر ضعیف تر جریمه می شود.
سعی کردیم با توجه به در نظر گرفتن کیفیت، اول دفتر فنی کار را از پرسنل اجرایی تحویل بگیرد و بعد به کار فرما تحویل دهیم. خودم کمتر در پروژه حضور پیدا می کنم و بیشتر به

یکدست شدن مسئولین و اتخاذ تصمیم قاطع مبنی بر بکار گماردن و دادن پروژه های استان فقط به شرکتهای بومی باعث قویتر شدن شرکت های بومی می گردد

کارهای مدیریتی می پردازم.
- آیا شعاری برای شرکت تان انتخاب کرده اید؟
- ...نیروی جوان، هنر ایرانی، اندیشه جهانی...
- آیا توانایی انجام پروژه های دیگری را دارید؟
- ما توانایی ساخت هزار واحد را در کمتر از یکسال داریم و با توجه به سیستم مدیریتی نوین در شرکت توانایی اجرایی بالایی داریم که در صورتیکه مسئولین اعتماد نمایند سعی می کنیم که سربلند بیرون بیاییم.
- سخن پایان ؟
- با تشکر از شما و همکارانتون در هفته نامه و آروزی موفقیت روز افزون برای خوانندگان این هفته نامه ی وزین... در چاپهای بعد به جزئیات فنی شرکت بیشتر پرداخته که امید وارم مورد توجه واقع شود.

نسیم جنوب ۷
ورزشی
شماره ۵۸۸ یک شنبه ٦ تیر ماه ۱۳۸۹
NASIM JANOUB

فوتبال، امیدها و نگرانی ها

فرخ روزبهی

از اواخر قرن هجدهم و در قرن نوزدهم، که ژیمناستیک ها و ورزش ها، جانشین هنرها و تمرین های سنتی (بازی چوگان، نبرد با نیزه شوالیه هاو...) شدند، پرسش درباره ورزش هم آغاز شد. تمرینات ورزشی که به تدریج تا نیمه قرن بیستم تکمیل شدند، بر حسب دو مدل رقیب طبقه بندی می شوند: مدل ورزش های رقابتی که از انگلستان برخاسته اند و مدل ژیمناستیک های آموزشی که خاستگاه هشان کشورهای اروپای قاره ای (آلمان، سوئد، دانمارک، و فرانسه و...) است.
بنابراین زمانی که ورزش رقابتی مدرن پس از استقرار در انگلستان و سپس گسترش آن به نقاط دیگر، نهادی می شود، اغلب فعالیت های ورزشی منشا انگلیسی داشتند: فوتبال، راگبی، دو و میدانی، قایق رانی، تنیس و غیره. با این وصف برخی از این ورزشها خاستگاهی متفاوت دارند. مثل دوچرخه سواری، بوکس فرانسوی و شنا. اما یک رشته ورزشی مثل شنا وقتی صورت رقابتی پیدا می کند که مدل رقابتی آن قبلا در انگلستان به تصویب رسیده باشد. سپس نفوذ انگلوساکسون در دنیا دست به کار می شود. نتیجه آشکار آن، شنای کرال است که اختصاصا برای مسابقات سرعت طراحی شده بود.
به عبارت دیگر بریتانیای کبیر، نخستین قدرت سرما یه داری صنعتی و بازرگانی مالی قرن نوزدهم، نه تنها یک مدل ورزشی بازی های بدنی را به صورت وررزش های "اختراع شده" در سرزمین اش صادر و سپس در دنیا پخش می کند، بلکه شیوه بازی ها در کشورهای دیگر را تغییر داده سپس آن را عالم گیر می کند.
اما فعالیت ورزشی در آغاز به چشم بد دیده می شود و مشروعیت چندانی ندارد و با مقاومت هایی مواجه می گردد. مثلا در فرانسه و در آلمان، در سال های ۳۰-۱۹۲۰ ، ورزش به عنوان یک صورت فرهنگ بیگانه دیده می شد که نتایج آن قابل پیش بینی نبود و بیم آن می رفت که ورزش در نزد نوجوانانی که به تمرینات ورزشی می پردازند باعث خشونت گرایی و خود شیفتگی گردند. برخی نیز آن را یک بازی "کمی کودکانه" یا مصداق بیهودگی یا سبکسری می دانستند.
علیرغم مقاومت ها و موانع، پیش روی ورزش ها از انگلستان به سوی شهرهای بندری و پایتخت های اروپای قاره ای، سپس به سوی سایر قاره ها و مراکز ایالتی، ادامه می یابد و در این معرکه فوتبال این عزیز در دانه دنیای ورزش ها در سال های ۱۸۷۲ به بندر لوهاور، در ۱۸۷۷ به کینهاگ، در ۱۸۸۷ به هامبورگ، در ۱۸۹۳ به جنوا و... می رسد. بدین طریق فرایند پخش ورزش ها شاید از گذر روابط نابرابر و به موازات ریشه کنی صورت های تفریحات بازی های بدنی رقیب انجام می گیرد. بازی های سنتی مردمی، یا به عنوان خشن تر بودن یا به عنوان حامل باورهای قدیمی زمان گذشته طرد می شوند، مثل صورت های گویش های محلی در حوزه زبان به نام مدرنیسم.
چنین بود که ورزش سازمان گرفته به سبک اروپایی یا آمریکایی که به آرامی در کشورهای دیگر و در فرهنگ قرن بیستم جایگاه ویژه ای کسب کرده بود، در حال حاضر صورتی از یک نهاد بین المللی و ملی است که آن را منبع اشتغال، مایه هویت جمعی، بردار یگانگی اجتماعی، منبع سلامت و موضوع تربیت می دانند و موضوع تبلیغات و خطابه های بزرگداشت قرار می دهند.
پیچیدگی این دنیای ورزشی- فوتبالی و اهمیت آن به گونه ای است که دولت ها را وادار می کند که به یک دستگاه تخصصی برای تعریف، هدایت و سیاست گذاری در موضوع ورزش (وزارت، کمیته ملی، شورای عالی و...) مجهز گردند. هرچند که این اقدام دولت ها تردید هایی را درباره موجه بودن شان برانگیخته است.
در این میان فوتبال حکایتی دیگر دارد. در انگلستان بنگاه های اقتصادی از سال ۱۸۹۰ به تاسیس باشگاه های فوتبال حرفه ای اقدام می کنند. از آن پس و با عالم گیر شدنش، فوتبال از



لحاظ اجتماعی بسیار متنوع شده است و دیگر چون در ابتدای ظهورش، ورزش انحصاری حومه های شهرهای صنعتی یا حوزه های معدنی نیست و هم چنین با مسابقات جام ها و قهرما نی ها در سطوح مختلف جغرافیایی (کشوری، منطقه ای ، قاره ای ، جهانی) گستره به حداکثر می رسد.
محققان دلیل موفقیت جهانی فوتبال (به جز در امریکای شمالی) را به ویژگی های خاص فوتبال ارجاع می دهند: فوتبال در سازمان کنونی اش، نمادی از صفات بر جسته جامعه صنعتی است: تقسیم وظایف و کارگروهی، برابری فرصت ها، رقابت، مهارت، ارتقا، تبعید، پایگاه نا مطمئن افراد (ظهور یک جانشین). باید ابعاد زمین را به حساب آورد که اجازه می دهد انبوه جمعیت را یکجا دور هم جمع کرد. استادیوم به عنوان فضای اجتماعی قشربندی شده، این واقعیت که در فوتبال چند سبک ورزشی ترکیب شده اند و چنین تمرینی باز به چند نوع عادت واره و ریخت شناسی بدنی اجازه ابراز وجود می دهد. به طوری که هر کس می تواند موضوعی برای اظهار نظر پیدا کند. قواعدش تقریبا ساده و پایدار است(به جز قواعد خارج از بازی که تفسیرش دشوار است). با نتیجه نامعلوم و غافلگیر کننده و نیز تاثیر انتخاب پا در آخرین لحظه که عدم قطعیت بازی را افزایش می دهد و... به همین دلیل مولفان پیوسته تاکید می کنند که کارشان توصیف فوتبال است و نه ورزش به طور کلی. در این باره "مارسل مورس " می گوید: شخص به شکار نمی رود، بلکه به شکار خرگوش(فوتبال) می رود. بسیاری محققان و حتا هواداران، فوتبال را ورزشی مناسکی می دانند که در آن تماشاچیان خود را در مقابل دنیایی سرشار از معانی جادویی- دینی می بینند.
از لحظ سیاسی فوتبال با قدرت بسیج کنندگی اجتماعی اش و با ظرفیت نمادی کردن تفاوت ها میان ملت ها، از اهمیت خاصی برخوردار است. از جنبه اقتصادی هم که نگاه کنیم، تولید ورزشی- فوتبالی، بخش قابل ملاحظه ای از اقتصاد و تولید داخلی ناخالص کشورها را تشکیل می دهد.
مجموع ویژگی های فوق فوتبال را در موقعیت و جایگاه ورزش ها ی "های پروفایل" قرار داده، به طوری که به شدت در قانون توجهات قرار گرفته ، اذهان را تسخیر کرده است و شیفتگان زیادی دارد. تا آن جا که محمد علی آبادی رئیس پیشین سازمان تربیت بدنی، آرزوی به چنگ آوردن ریاست فدراسیون فوتبال را در دل داشت. دکتر محمد دادکان اما، با تعجب و به کنایه می گوید: آقایان "صد" را در دست دارند ولی "نود" را آرزو می کنند.
لیکن ورزش و خصوصا فوتبال که از دراماتیک ترین ورزش هاست؛ گوشه ها و لحظات تراژیک نیز دارد. هر چند ورزش ها از ستایش بی سابقه ای برخوردار شده اند که رشد مادی، ارج یابی تربیتی و پوشش و پخش سنگین رسانه ای را در پی داشته که آن ها به بالاترین سطح رسانده است؛ اما به موازات آن، قواعد و کدهای رفتاری که ورزش روی آن بنا شده، با مصرف مواد نیروزا، با کدر شدن اخلاق مربیان، بازیکنان و مدیرا ن شان، با بهره کشی از استعدادهای جوانان ورزشکار، با فشارهای مالی و رفتارهای خشونت آمیز خرابکارانه یا نژاد پرستانه، با نگاه سودگرانه یا سیاسی به رقابت های ورزشی، با برد و باخت های پولی و با میهن پرستی های افراطی، به شدت آسیب دیده است. وضعیت متغیر، آشفته، تناقض آمیز میان افتخار و فساد. میان حاکمیت مقامات ورزشی و وابستگی در قبال بازارها و مقامات سیاسی.
این نکته را نباید فراموش کرد که برای بسیاری، فوتبال این ورزش رقابتی و صنعت نمایشی مدرن اهمیت و جایگاهی فراتر از جایگاه ان در مقوله گذران اوقات فراغت دارد. برای این عده، فوتبال مثل و عین زندگی است که ساعاتی آن ها را از اشتغالات ناخوشایند روزانه رها می سازد.
پی نوشت:
این مقاله چکیده و گزارشی است از یک متن جامعه شناختی در موضوع ورزش.



فرصت عالی برای راه اندازی آکادمی فوتبال شاهین

با مهاجرانی معمار فوتبال نوین ایران

مجید اصلانی



به یاد شادروان قاسم مهدی زاده که این روزها سالگرد وفاتش است



همه ی ما حشمت مهاجرانی را می شناسیم. آدم خوش صحبتی است، فردی خوش برخورد و خوش حافظه و صاحب نبوغ و استعداد و عابر پیاده رو خیابان تاریخ فوتبال ملی ایران که در واقع هارد اطلاعات و تاریخ متحرک فوتبال ایران است. حشمت مهاجرانی را همه می شناسند برای اینکه فوتبال و آکادمی باشگاه بزرگ و مردمی شاهین و در نهایت فوتبال استان را منتفع سازیم از مردان کاربلدی هم چون مهاجرانی که دلشان برای خدمت به فوتبال ایران می تپد، استفاده نماییم.
از حشمت خان به عنوان مشاور عالی باشگاه و رییس آکادمی فوتبال استفاده کنیم تا از خدمات و دانش و تجربه ارزنده اش از نزدیک برخوردار گردیم.
زمانی که ایشان لاین تیم ملی می بست همیشه بیش از نیمی از ترکیب تیم ملی فوتبالیست های با استعداد خوزستان و مناطق جنوبی ایران بودند و اعتقاد به بازی تکنیکی جنوبی ها داشت. در تیم ملی جوانان نیز از پتانسیل و نبوغ سرشار جنوب ایران بهره می بردند و موفقیت هایی در رزومه اش ثبت گردیده که کمتر سرمربی سابقه داری در ایران توانسته به این رکوردها دست یابد.
در تاسیس آکادمی فوتبال کشورهای امارات و عمان نقش به سزایی داشتند و از وجودشان بهره مند گردیدند؛ ما چرا نخواهیم؟
در شرایطی که تب فوتبال تمام جامعه ما را فراگرفته با حضور وی برای پی ریزی آکادمی شاهین و تحول در فوتبال، استان بوشهر را در شاهراه دروازه فوتبال ایران و آسیا سوق و اعتبار ببخشیم.
امروزه با حضور پررنگ استیلی و مهاجرانی، دو سرمایه ملی فوتبال در بوشهر می خواهیم متفاوت از لیگ نهم خود را آماده ورود به شاهراه دروازه فوتبال و ضریب ضریب موفقیت ها را دو چندان از گذشته نماییم. ادامه و حیات فوتبال ما و جزییات آن بیش از قبل به بزرگان صاحب تجربه ملی نیازمند است.ایجاد فرصت نماییم و اندیشه مدیریت فوتبال حرفه ای را فرا گیریم و به فوتبال مان اعتبار ببخشیم.
...خورشید بر ما می تابد. به پیش فوتبال بوشهر، به پیش شاهین.

مصاحبه با مسعود پالیزدان آنالیزور بوشهری تیم فوتبال سپاهان اصفهان :

مسئولین شاهین باید از بزرگان فوتبال بوشهر استفاده نمایند

- مسعود جان ضمن عرض تبریک به مناسبت قهرمانی تیم شما (سپاهان) در لیگ برتر بفرمائید سطح کیفی لیگ نهم چگونه بود؟
با سلام و خسته نباشی خدمت شما و همه هم استانی های عزیز و با تشکر از هفته نامه وزین نسیم جنوب که همیشه به فکر ما بوده و ما را در غربت فراموش نمی کند. به نظر من لیگ نهم از لحاظ کیفی در سطح عالی برگزار شد و نسبت به سالهای گذشته خیلی بهتر بود. تیم های صنعتی مثل سپاهان ، ذوب آهن و مس کرمان و تیم های دولتی مثل استقلال و پرسپولیس با بازی های خوبی که از خودشان به نمایش گذاشتند گواه این مسئله است.
- درسته که تیم شما قهرمان شد اما در ابتدای فصل یه مقدار دچار بحران شده بودید و خوب نتیجه نمی گرفتید در این رابطه چه نظری دارید؟
بله درسته ما در شروع لیگ یه مقدار با مشکل مواجه شدیم ولی رفته رفته تیم ما نتایج خوبی گرفت. با توجه به تغییراتی که تیم داشت و آقای قلعه نویی تازه به سپاهان اضافه شده بود، سپاهان را به بهترین شرایط نزدیک کرد به نحوی که قهرمانی ما در سه هفته مانده به پایان لیگ برتر، مسجل شده بود.
- همکاری با امیرقلعه نویی چگونه بود آیا از ایشان چیزی آموختی؟
برای من امسال بهترین فصل زندگی ورزشی ام بود چون کل کار ما یک خود جمعی بود ، بنده به درایت امیرخان ایمان دارم و از ایشان چیزهای زیادی یاد گرفتم و لذت بردم.
- درابتدای فصل شما چند ناکامی داشتید و هم چنین در لیگ باشگاههای آسیا از گردونه مسابقات خارج شدید ، طبعا خبرنگاران و نقدنویسان اصفهان اکیپ شما را زیر سوال بردند. بفرمائید نحوه برخورد قلعه نویی به عنوان نفراول اکیپ فنی با آنها چگونه بود؟
جناب قلعه نویی خیلی منطقی با آنها برخورد می کرد و می گذاشت آنها حرفشان را بزنند و بعد به آنها جواب می داد حتی گاهی اگر نیاز بود جلساتی برای آنها برپا می کرد و مسائل فنی را به آنها نشان می داد.



- یعنی هیچ وقت درگیری لفظی یا مشکلی با کسی از اهالی قلم پیش نمی آورد؟
خیر ایشان با تجربه تر از این بود که این کارها را بکند.
- مسعود پالیزدان به عنوان یک بوشهری در تیم سپاهان اصفهان و محمود یاوری یک اصفهانی در شاهین بوشهر کدامشان در کارشان موفق بودند؟
این را باید مردم نظر بدهند در خصوص یاوری صحبت نکنم بهتر است
- به نظر شما آیا در بین پیشکسوتان فوتبال بوشهر کسانی وجود دارند که در شرایط بحرانی و سخت به تیم شاهین هم فکری دهند؟
بله چرا که نه ، مسئولین شاهین باید از بزرگان فوتبال بوشهر مثل احمد رزمی ، حسین وردیانی ، اکبر شمسا، نادر اقدام و ... استفاده نمایند آنها فوتبال را خوب می دانند و می توانند در ایام سخت عصای دست شاهین باشند.
- چرا برای سومین سال پیاپی اصفهان را برای ادامه کار انتخاب کردی؟
اینجا هم احترام بیشتر است و شرایط خیلی فراهم است.
- مگر در بوشهر احترام نمی گذارند؟
بعضی از مسوولین خیلی خوب برخورد نمی کنند بعضی از دوستان هم که ادعای رفاقت می کنند پشت سرم حرفهای زدند که شرمم می آید در خصوص آنها چیزی بگویم.
- بعنوان یک بوشهری متعصب بفرمائید شاهین را در لیگ برتر چگونه مشاهده کردی؟
به نظر من شاهین پتانسیل خیلی بالایی دارد و نباید با شرایط سخت در لیگ برتر می ماند آنها لیاقتشان بیش از این حرفهاست.
- برای حضور بهتردر لیگ دهم ، شاهینی ها چه کار باید بکنند؟
با یک برنامه ریزی خوب و حساب شده و حرفه ای گری در امر یارگیری و کوچینگ، ابزار موفقیت را فراهم نمایند.
- چرا یاوری در تیم های اصفهانی جا ندارد؟
تیم های اصفهانی سپاهان و ذوب آهن تیم های هستند که در سطح خیلی بالا فکر می کنند آنها دنبال مربیانی هستند که به روز باشد ضمن اینکه آنها به فکر حضور مثبت در آسیا می باشند.
- به عنوان آخرین سوال بفرمائید در خصوص مدیرکل اسبق تربیت بدنی استان بوشهر حسین وردیانی چه نظری دارید؟
جناب آقای وردیانی برای فوتبال بوشهر خیلی زحمت کشید خدا اجرش دهد. ولی متاسفانه بعضی از آقایان وقتی در تنگنا قرار گرفتند شروع کردن به بی حرمتی به ایشان، امیدوارم آقای وردیانی هرکجا هست موفق و سربلند باشد.

جام جهانی یک کلاس آموزشی

علیرضا محمدی



در جام جهانی فوتبال ۲۰۱۰ آفریقای جنوبی شاهد تلاش ۴ساله ۳۲ تیم منتخب جهان هستیم.۳۲ تیم ملی فوتبال پس از برگزاری بازی های مقدماتی با فراز و نشیب های فراوان گام به نمایشگاهی بزرگ با مخاطبان جهانی گذاشته اند تا حاصل سرمایه گذاری ها، برنامه ریزی ها، تمرین ها و تفکرات خود را بدست آورند. جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۰ می تواند یک کلاس آموزشی برای کشورهای جامانده از این قافله باشد. تیم ملی فوتبال ایران علیرغم همه امیدها، آرزوها از حضور در این نمایشگاه عظیم باز ماند اما ارزش جام جهانی به حدی است که زنگ هوشیاری و هشداری برای دوره های آتی را به صدا در می آورد. باید جام جهانی را به مثابه یک کلاس درس آموزشی زیر ذره بین قرار دهیم و شاخص های توفیق تیم های ملی فوتبال را به کنکاش بگذاریم. برای انجام برنامه ریزی مناسب ابتدا باید وضع موجود را خوب بشناسیم و بعد وضع مطلوبی را تعیین کرده و با تشخیص فاصله ها و بر آورد نیازها نسبت به هدف گزینی مناسب اقدام کنیم. بررسی هر یک از تیم ها و مجموع تلاش آنها می تواند گام موثری در تعیین فاصله های موجود بین فوتبال ایران با فوتبال کشورهای موفق باشد،هر چند شرایط خاص فرهنگی و محیطی ایران بررسی و اقدام برای بومی کردن بسیاری از عملیات مشابه را می طلبد اما تلاش و اقدام موثر در این مسیر به هدفمندی و انسجام در برنامه ریزی و اجرا نیاز دارد. هر چند اتفاقات و تصادف در فوتبال بسیاری از محاسبات را در مستطیل سبز بر هم میزند اما امروزه بسیاری از کارشناسان از علم و اصول فوتبال سخن می گویند.اما مساله تاکیدی بر این نکته است که برای داشتن فوتبال پیشرفته و حضور موفق در نمایش هایی مثل جام جهانی فوتبال باید از اصول ویژه ای برخوردار بود و به آنها توجه لازم را داشت. فوتبال ایران پر از ظرفیت ها و استعدادهای بالقوه است که برای بالفعل شدن آنها نیاز به برگزاری کلاسهای آموزشی برای تصمیم گیران، اثرگذاران در تصمیم گیری ها و افکار عمومی است. جام جهانی فوتبال می تواند یک کلاس درس آموزش خوب برای همه باشد به شرط آن که فقط اسیر ظاهر و هیجانات آن نباشیم و سعی کنیم با نگاهی واقع گرایانه و تحلیل های منطقی، اتفاقات و رویدادها را در زمین های مستطیل سبز آفریقای جنوبی دنبال کنیم.

حشمت مهاجرانی:

آکادمی فوتبال در بوشهر تشکیل می‌شود



مربی سابق تیم ملی و مدیر فنی شاهین بوشهر گفت: یکی از اهداف ما در بوشهر، تاسیس آکادمی فوتبال است.
به گزارش خبرگزاری فارس از بوشهر، حشمت مهاجرانی در نشست صمیمانه با مسئولان شاهین بوشهر، اظهار داشت: پیش از هر چیز باید از استقبال گرم مردم بوشهر تشکر داشته باشم و بگویم این جمعیت هوادار سرمایه اصلی باشگاه شاهین محسوب می‌شود.
وی افزود: به‌خوبی به آنچه می‌خواهیم انجام دهیم واقف هستیم و می‌دانیم که کار حساسی را پیش رو داریم باشگاه شاهین یک مکتب است که ریشه در خاک دارد و به همین علت وظیفه ما سنگین‌تر است.
مهاجرانی گفت: حمید استیلی یک مربی پاک و صادق است که می‌تواند با داشته‌های فنی که در وجود خود دارد با حمایت مسئولان و هواداران، شاهین را به سر منزل مقصود برساند.
مربی سابق تیم ملی تصریح کرد: من شاهین را سال گذشته تیم خوبی دیدم تیمی که فوتبال قدرتی و سرعتی خوبی را به نمایش می‌گذاشت، شاهین در هر دو دیدار سال گذشته با استیل آذین فوتبال خوبی را ارئه داد و این تیم را تحت فشار قرار داد.
مهاجرانی گفت: یکی از اهداف مهم بنده در بوشهر راه اندازی آکادمی فوتبال در بوشهر است که امیدوارم با کمک کارشناسان و پیشکسوتان بوشهر این کار مهم را به خوبی انجام دهیم.
مدیر فنی شاهین بوشهر در ارتباط با نقش رسانه‌ها اظهار داشت: رسانه ها بازوهای اصلی حمایت یک تیم هستند آنها با پیشنهادات و انتقادات خود باید به ما کمک می‌کنند.
وی ادامه داد: مطمئن باشید تعامل نزدیکی با رسانه‌ها خواهیم داشت و از نقطه نظرات این عزیزان استفاده می‌کنیم.
مهاجرانی تماشاگران بوشهری را سرمایه اصلی شاهین عنوان کرد و افزود: فصل قبل همه دیدند تماشاگران بوشهری حتی پس از باخت به حریف نیز تیم خود را تشویق می‌کردند و این یک امر مهم و امتیاز مثبت برای شاهین است که این همه هوادار منطقی دارد.
مدیر فنی شاهین بوشهر با اشاره به اینکه تلاش می‌شود شاهین در رده‌های بالای جدول حضور داشته باشد، یادآور شد: امیدواریم با حمایت مسئولان و هواداران، بازی‌های خوبی را در لیگ برتر به نمایش بگذاریم.



مهسا جان
چهارمین بهار زندگی ات را تبریک می گوئیم.
پدر و مادرت

روی خط خبر ...

یک میلیارد تومان به حساب شاهین پارس جنوبی

با پیگیری میگلی نژاد یک میلیارد تومان بمنظور پرداخت بخشی از مطالبات بازیکنان تیم شاهین پارس جنوبی پرداخت می گردد . مبلغ فوق که به دستور و موافقت میرکاظمی وزیر نفت در پاسخ به پیگیری ها و مکاتبات مکرر نماینده بوشهر گناوه دیلم و خارگ در مجلس شورای اسلامی جهت رفع مشکلات تیم شاهین پارس جنوبی از طریق سعیدلو معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی پرداخت می گردد.

مدافع سپاهان در شاهین

احمد آل نعمه مدافع خوزستانی فصل گذشته سپاهان اصفهان صبح جمعه با حضور در باشگاه شاهین با عقد قراردادی ۲ ساله به جمع سفیدپوشان پرطرفدار بوشهری پیوست. آل نعمه سابقه بازی در تیم های سپاهان و فولاد خوزستان را دارد که توانایی بازی در ۲ پست دفاع پوششی و کناری را تا به حال از خود به نمایش گذاشته است.

ماهینی: از استقلال اهواز شکایت کردم

حسین ماهینی بازیکن بوشهری که با ذوب آهن اصفهان قرارداد امضا کرده گفت:با رفتن حسن اشجاری از تیم فوتبال ذوب آهن، منصور ابراهیم زاده روی بازی من نظر داشت و با نظر شخصی وی به این تیم پیوستم.پرکردن جای خالی حسن اشجاری کار بسیار سختی است ولی سعی می کنم با هدایت صحیح ابراهیم زاده ،عملکرد خوبی در خط دفاعی تیم فوتبال ذوب آهن داشته باشم.ماهینی ،در مورد جدا شدن از تیم فوتبال استقلال اهواز تصریح کرد:حدود ۵ سال در تیم فوتبال استقلال اهواز حضور داشتم و همیشه طرفداران استقلال اهواز از تیمشان حمایت می کردند و ما را مورد لطف خود قرار دادند ولی با سقوط این تیم به لیگ دسته یک شرمنده هواداران اهوازی شدیم. وی با اشاره به شکایت بازیکنان استقلال اهواز از این باشگاه ادامه داد:بازیکنان تیم فوتبال استقلال اهواز طلب خود را از باشگاه استقلال اهواز می خواستند که شفیعی زاده مدیر عامل باشگاه به بازیکنان گفت که به کمیته انضباطی شکایت کنند و به همین منظور به کمیته انضباطی شکایت کردم و این نظر خود علی شفیعی زاده بود.

کلاس مربیگری بسکتبال ویژه بانوان در گناوه

به گزارش روابط عمومی اداره کل تر بیت بدنی استان بوشهر: دبیر هیات بسکتبال استان بوشهر گفت: یک دوره کلاس مربیگری درجه سه بسکتبال ویژه بانوان با حضور ۲۵ شرکت کننده در شهر ستان گناوه برگزار شد.احمد رستم جبری افزود: این کلاس بصورت تئوری و عملی به مدرسی خانم فرشته باژوند مدرس فدراسیون بسکتبال کشور بر گزار شد.

قهرمانی تیم جودوملوان بوشهر در مسابقات جام شهدای ارتش کشور

به گزارش روابط عمومی اداره کل تر بیت بدنی استان بوشهر: تیم جودو ملوان بوشهر که جهت شر کت در مسابقات قهرمانی نیروی های مسلح جام شهدای ارتش به استان گیلان عزیمت نموده بود با کسب ۵ نشان طلا و ۲ نقره و یک برنز با اقتدار به مقام قهرمانی این رقا بتها رسید. این مسابقات با حضور ۱۴ تیم در گیلان بر گزار شد.

برتر ین های مسابقات وزنه برداری نونهالان استان

مسابقات وزنه برداری نونهالان استان به مناسبت میلاد حضرت علی (ع) با حضور ۴۰ ورزشکار در سالن شهید صدوقی بوشهردر دو رده سنی بر گزار شد که در پایان نتایج ذیل بدست آمد:
رده سنی ۱۰ سال: وزن ۲۸ کیلو گرم: امید ظرافت دوست از بردخون مقام اول- وزن ۳۲ کیلو گرم:محمد غلامی از گناوه اول- وزن ۳۶ کیلوگرم اسحاق ذهاب از گناوه و احمد حقیقت از بردخون مقام اول- وزن ۵۳ کیلو گرم :امین خلفی از گناوه مقام اول- وزن ٦۰ کیلو مهدی فولادی از بردخون مقام اول وزن+٦۰مهدی حیدری از بوشهر مقام اول.
رده سنی بالای ۱۰ سال: وزن ۲۸ کیلوگرم بهنام رستگا از بردخون مقام اول- وزن ۳۲ کیلو رئوف روا خوش از بوشهر اول - وزن ۴۲ کیلو مصطفی بهرام زاده از بوشهر مقام اول - وزن ۵۳ کیلو حسین تندسر از گناوه اول- وزن ٦۰ کیلو مهدی محبوبی از بوشهر مقام اول
٦۰+ کیلوگرم حسین حمید اوی از بوشهر مقام اول
تیم منتخب استان جهت مسابقات کشوری که ۲۰ تیر ماه سالجاری دذر اصفهان بر گزار می شود انتخاب خواهد شد.

پیروزی پر گل ایرانجوان در مسابقات نو جوانان بوشهر

از سری مسابقات فو تبال نو جوانان شهر بوشهر تیم ایر انجوان بوشهر در زمین شماره ۲ استادیوم شهید بهشتی بوشهر میزبان تیم سپاهان بود که در پایان با نتیجه پر گل ۱۱ بر صفر مقابل سپاهان به بر تری رسید. در پایان دو تیم ایرانجوان و ملوان بوشهر جواز حضور در مسابقات زیر گروه شهر ستان بوشهر را بدست آوردند.

تیمهای بر تر تکواندو خردسالان استان مشخص شدند

مسابقات تکواندو خردسالان استان با حضور ۸ تیم در قالب ٦۰ ورزشکار در سالن شهید صدوقی بوشهر بر گزار شد که در پایان تیم گناوه با کسب ۳ نشان طلا – و ۳ نشان برنز به مقام قهرمانی رسید و تیم های کانون امام خمینی برازجان با کسب ۲ نشان طلا- ۳ نقره و ۲ برنز و تیم قائم بوشهر با کسب ۲ نشان طلا و ۲ نشان نقره به تر تیب عناوین دوم و سوم این رقا بتها را به خود اختصا ص دادند.

جناب آقای علی دشتیاری زاده
پیشکسوت باشگاه شاهین بوشهر
درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض نموده،
ما را در غم خود شریک بدانید.
(سرویس ورزشی نسیم جنوب)

جناب آقای ابراهیم رفعت بوشهری
پیشکسوت باشگاه شاهین بوشهر
درگذشت مادر گرامی اتان را تسلیت گفته، ما را
در مصیبت خود شریک بدانید.
(سرویس ورزشی نسیم جنوب)

نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی
• صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
• مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
• مدیر گرافیک : موسی ولی زاده
• نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
• دفتر هفته نامه نسیم جنوب
• تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
• ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
• لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷


آتش سوزی در اسکله عامری - عکس از محمد فاطمی



مجید کنگانی مدیر عامل شاهین:

به شدت از استیلی حمایت خواهم کرد

دو میلیارد وسیصد میلیون تومان بدهکاری داریم

- آقای کنگانی، بدهی سال قبل چقدر است؟
- حدود دو میلیارد وسیصد میلیون تومان بدهکاری داریم.
- رفت و آمد شما به وزارت نفت چقدر در امر وصول پول موفقیت به همراه داشته؟
- قرار بود نفت بخشی از این هزینه ها را پرداخت کند که این حرف یک ماه ونیم پیش است به جایی هم رسید که پرداخت صورت بگیرد، از آنجایی که هنوز آئین نامه بند ب ماده ۱۱۷ سابق ابلاغ نشده، آمدن از کانال دیگر ورود کردند که این پرداخت صورت بگیرد و آن هم مشروط به این بود که سازمان تربیت بدنی موافقت کند. متاسفانه این نامه از ۸۹/۳/۱۲ در سازمان تربیت بدنی وجود دارد و بارها به سازمان تربیت بدنی اعلام کردیم که این از امتیازات بند ب ماده۱۱۷ نیست که از سر جمع امتیازات ورزش کسر بشود، این از محل اعتبارات خود وزارت نفت است، همان اصطلاحا بند ح ماده ۲ قانون بودجه است که نقد می خواهد کمک کند. اما از تاریخ ۱۲ خرداد تا کنون سازمان تربیت بدنی ننوشته که این مسئله بلامانع است.
- مبلغ مذکور چقدر است؟
- یک میلیارد تومان است.
-مابقی بدهی فصل گذشته چه خواهد شد؟
- قرار به این شد که از بند ب ماده ۱۱۷ ابلاغ بشود و آنها باز پرداخت کنند از محل کمک می خواستند یک میلیارد به ما بدهند و از محل ورزش امسال با آمدن آئین نامه باز نفت کمک خواهد کرد.
- دو تیم زیر پوشش وزارت نفت یعنی نفت آبادان و نفت تهران شرایط خوبی برای صعود به لیگ برتر دارند، آیا مشکلی برای پرداخت پول یا اعتبارات سال شما پیش نخواهد آمد؟
- من فکر میکنم نگاهمان به نفت به اندازه یک استان و یک مجموعه محدودی نباید باشد. ضمن آن که خوشحال هستیم دو تیم باسابقه به لیگ برتر می آیند و هیچ منافاتی ندارد که تیمهای تحت پوشش نفت در لیگ برتر بیشتر گردد.
- یعنی هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد؟
- امیدوارم مشکلی نباشد. البته هفته آینده شورای ورزش نفت برگزار می شود و امید است با حمایت مسئولین اعتبارات ما تصویب شود.
- مظلومی نیامده رفت. چرا؟
- مظلومی همه تصمیمات در دست خودش نبود و تا حدودی حق را به او می دهم. خوشبختانه بوشهری ها بهتر از استان های دیگر فوتبال رامی شناسند.
- گویا در امر استخدام استیلی و همکارانش با تعدادی از دوستان و پیشکسوتان شاهین مشورت کردید؟
- بله درست است.
-اما تعدادی از همین پیشکسوتان باشگاه از شما گلایه داشتند که شما در این رابطه به نظر آنها اهمیتی ندادید؟
- ضمن احترام به نظر همه دوستان، انتخاب مربی از اختیارات مدیرعامل است و فکر می کنم گزینه ای که انتخاب کردیم گزینه بسیار خوبی است. مطمئن باشید که وظیفه ام این است که حمایت کنم و به شدت حمایت خواهم کرد. دوست دارم دیگر پیشکسوتان و دوستان هم همین نگاه را داشته باشند.
- متاسفانه در کادر فنی مربی بومی دیده نمی شود؟
- آقای کامیاب بعد از بازی ها اعلام کرد می خواهم به عنوان سرپرست فعالیت کنم.
- در یک کلام یاوری خودش رفت یا شما او را دیگر نخواستید؟
- باور کنید بدون تعارف می گویم این کار توافقی انجام شد. درباره مخالفتهایی که با یاوری شد باید بگویم که ما بوشهری ها می توانیم نگاه مثبت کشور را به خودمان بیشتر کنیم ولی اگر دنبال این بحث ها باشیم فضا مثل پایان فصل برای مان سخت خواهد شد. هنر این است که بگوئیم چقدر کمک کردیم.
- مخالفان می گفتند یاوری روی کنگانی تسلط کامل دارد؟
- فکر کنم جواب ها که باید می دادیم در سال گذشته داده ایم. من مصلحت می دیدم بخاطر بقا و ارتقا تیم شاهین قدم بردارم. قضاوت این مسئله هم با مردم است.
- با اینکه در فوتبال ایران رسم است تا چند هفته اول به مربیان مهلت نتیجه گیری می دهند، شما چه مدت برای کادر فنی جدید زمان می گذارید؟
- من با اعتقاد کامل اعلام می کنم استیلی می تواند برای شاهین موثر باشد و مهلت ایشان ارتقا جایگاه تیم شاهین است.
- حتا اگر هفته های اول از نتایج راضی نباشید؟
- بله انشاله این اتفاق در فوتبال ما نمی افتد. امیدوارم این فضا ایجاد نشود که همه فکر کنند که بوشهر عربستان سعودی است.
- در خصوص یارگیری چه مشکلی دارید؟
- شاید موضوعی که بیانش زیاد هم زیبا نباشد بحث مالی ماست. این یک واقعیتی



است. مردم بوشهر دوست دارند تیمشان مشکلی نداشته باشد ولی منتظریم که یک اتفاق خوب بیافتد. متاسفانه بعضی از مشکلات که دارد ایجاد می شود شاید بخشی متوجه نوع نگاه مدیریتی در استان هست که همکاری نمی کنند.
- گپ پایانی؟
- من تشکر می کنم از شما و هفته نامه نسیم جنوب که یک فصل ما را به خوبی حمایت کردید. جایی که لازم بود پند ناصحانه شما را گوش دادیم. اما یک فصل دیگر پیش روی ماست که قدری مهم تر از همه فصل هاست. چون باید برای تثبیت فوتبالمان گام برداریم. خواهش من این است که مسایلی همانند اینکه کی باعث شد و چی باعث شد، دیگر تمام شود. دست همه درد نکند.

میگلی نژاد: تعلل سازمان تربیت بدنی برای حمایت از شاهین بوشهر نگران کننده است



نماینده مردم شهرستانهای بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی و رییس مجمع نمایندگان استان بوشهر گفت: هم اکنون بخشی از کمک وزارت نفت به تیم لیگ برتری شاهین بوشهر منتظر موافقت سازمان تربیت بدنی است و چنین تعللی نگران کننده است.

غلامعلی میگلی نژاد در دیدار با مدیرعامل و جمعی از اعضای هیات موسس شاهین پارس بوشهر افزود: دستور مستقیم وزیر نفت را برای کمک به شاهین بوشهر بابت بدهی های گذشته و پرداخت بخشی از قرارداد بازیکنان جدید گرفته ایم، اما رییس سازمان تربیت بدنی هنوز با درخواست این کمک موافقت نکرده و امیدواریم این موضوع اصلاح شود.

به گزارش ایرنا، وی اظهارداشت: شاهین بوشهر علاقمندان زیادی در این استان و خارج از استان دارد و تعلل سازمان تربیت بدنی برای موافقت با پرداخت کمک مالی وزارت نفت به شاهین بوشهر خوشایند هواداران پرشمار آن نیست.

نماینده مردم شهرستان های بوشهر، گناوه و دیلم در مجلس شورای اسلامی بیان کرد:در حالی که مدیرعامل شاهین بوشهر باید به وضعیت این تیم رسیدگی کند، شایسته نیست برای گرفتن موافقت سازمان تربیت بدنی برای دریافت کمک های وزارت نفت مدام بین بوشهر و تهران در تردد باشد.

وی اضافه کرد:از این رو انتظار داریم رییس سازمان تربیت بدنی هرچه سریعتر با درخواست وزیر نفت برای کمک به شاهین موافقت کند تا بخشی از مشکلات تیم بوشهری برطرف شود.

میگلی نژاد با بیان اینکه سازمان تربیت بدنی باید حمایت خود را از تیم های مردمی نظیر شاهین بوشهر پررنگ تر کند، افزود: وزیر نفت اعلام کرده پرداخت کمک این وزارت خانه به شاهین بوشهر در انتظار موافقت رییس سازمان تربیت بدنی است، اما سازمان تربیت بدنی دست به عصا حرکت می کند.

عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی اظهارداشت: در صورت ادامه تعلل و امروز و فردا کردن برای موافقت با کمک به شاهین بوشهر، ناچاریم موضوع را در صحن علنی مجلس مطرح کرده و از سعیدلو بخواهم که پاسخگوی امروز و فردا کردن هایش باشد .

وی از وزیر نفت نیز به خاطر موافقت با پرداخت بخشی از کمک های این وزارتخانه به شاهین بوشهر تقدیر و ابراز امیدواری کرد با موافقت سازمان تربیت بدنی، این اعتبار بزودی در اختیار تیم لیگ برتری شاهین پارس بوشهر قرار بگیرد.

شاهین پارس بوشهر تنها نماینده استان بوشهر در لیگ برتر فوتبال است که فصل گذشته در نخستین تجربه لیگ برتری اش، موفق شد در این لیگ بماند.

علی رضا محمدی مدیر روابط عمومی باشگاه شاهین :

یاوری گفت چون دوست دشمن است شکایت کجا برم



- جناب محمدی به نظر خودت در سال گذشته در امر روابط عمومی شاهین موفق بوده ای؟
- واقعا با سوال سختی شروع کردی در این خصوص باید دیگران نظر دهند. ولی باید عرض کنم چون کار به گونه ای بود که برای اولین بار تیمی از بوشهر در لیگ برتر شرکت می کرد. سعی کردیم در حد توان خود انجام وظیفه نماییم.
- در کارت چه کاستی هایی دیده می شد؟
- با توجه به اولین تجربه ام در لیگ برتر، اگر کاستی ای در کارم دیده می شد با مشورتی که با دیگر مدیران روابط عمومی سایر تیم های لیگ برتری داشتم کاستی ها کم رنگ تر می شد. امیدوارم که سال آتی با یک برنامه ریزی بهتر عملکرد بهتری داشته باشیم.
-به نظرت کادر فنی در کارش موفق بود؟
- حضور من در شاهین از بدو ورود آقای کنگانی بود.هم چنین آقای یاوری. به نظر بنده آقای محمود خان یاوری پس از سالها تجربه، اصولی را برای خود ترسیم نموده بود و همراه این اصول کار میکرد. شاید در مسیر بازی ها انتقادهای شدیدی از وی می شد که این ناشی از اختلاف نسل و فاصله سنی ایشان با دیگران بود. به هر حال یاوری به قول خودش عمل می کرد.
- نظرت درباره انتقادات شدیدی که از یاوری می شد چیست؟
- ما یاد گرفتیم که همیشه در دموکراسی حق انتقاد و ارا طریق از ایده های مختلف را بشنویم، البته بعضی از دوستان با انتقادهای شدید او را محاصره کرده بودند. امیدوارم امسال با ارتباطی که با رسانه ها برقرار خواهیم کرد و از هم اندیشی و مشورت این عزیزان بهره می بریم.
- یاوری چه انتظاری داشت؟
- روزی آقای یاوری به من زنگ زد و گفت: از دشمنان برم شکایت به دوستان- چون دوست دشمن است شکایت کجا برم. یاوری انتظار داشت که مطبوعات و رسانه ها حامی شاهین باشند.
- مگر مطبوعات حامی شاهین نبودند در روزهای سخت هم حامی بودند که خیلی هم زیر سوال رفتند؟
- درسته همه حامی بودند ولی هر کس با نظر خودش سعی می کرد به شاهین کمک کند. من از همه آنها تشکر می کنم. البته نسیم جنوب همیشه نزد تیم شاهین و هواداران شاهین محبوب هستید چون قلبا بوشهر و شاهین را دوست دارید.
-با توجه که تحصیلات شما در مدیریت بوده مدیریت کنگانی را چگونه ارزیابی می کنید؟
- وی مردی خستگی ناپذیر و دوست داشتنی است. هیچ وقت از چیزهای منفی صحبت نمی کند. به قول ناپلئون: از شکست تا پیروزی فقط یک فاصله است که آن هم تلاش است. کنگانی به واقع یک مدیر به تمام معنا است چون کارهایش روی اصول و قوائد مثبت استوار است.
- بعضی از مخالفان شما هواداران شاهین را فاقد درک فوتبالی می دانند؟
- اگر این افراد به گفته و خواسته هواداران شاهین بدرستی توجه نمایند خواهید دید که نظرات اشان هم بسیار کارشناسی است.
- عده ای از دوستان اظهار می دارند که اکثر اطلاعات و اخباری که از دل باشگاه شاهین بیرون می آید از ناحیه جوانان شاغل در شاهین است نظر شما در این خصوص چیست؟
- در باشگاه شاهین فضای بسیار دوستانه و صمیمی ای حاکم است. همه کسانی که به نوعی در این باشگاه فعالیت می کنند می دانند که ما فقط در حال تلاش هستیم و این مسایل را قبول نداریم که این اخبارها از ناحیه ما به بیرون سرایت می کند. انشاله سعی خواهیم کرد نسبت به سال گذشته عملکرد بهتری داشته باشیم.
-می گویند شما ها در بستن تیم جدید نقش پررنگی داشتید؟
- آقای کنگانی با مشورت با پیشکسوتان و سایر کارشناسان باشگاه برای هر چه قوی تر ظاهر شدن در لیگ دهم با فقط مهره های خوب سال گذشته نسبت به مهره های مورد نظر اقدام کرد و ما هم در ارتباط با بازیکنان تلاش می کنیم و خواهیم کرد.
- یعنی مذاکرات در مکانی بیرون از باشگاه و کشیدن پرده کرکره ها صورت نگرفت؟
- خیر. ما شفافیم و هر کاری که می خواهیم انجام دهیم در باشگاه صورت می گیرد.

هیأت فوتبال استان بوشهر برتر در امور فرهنگی



هیأت فوتبال استان بوشهر بعنوان هیأت برتر در امور فرهنگی انتخاب گردید. در نشست مشترک کمیته فرهنگی با مسئولین فرهنگی هیأت های استانی، هیئت فوتبال استان بوشهر به همراه کرمان، کرمانشاه، مازندارن و فارس به عنوان ۵ هیات استانی برتر از لحاظ فرهنگی انتخاب شدند.

این انتخاب نشان از توجه محمد دوانی و همکارانش در هیئت فوتبال استان بوشهر نسبت به امور فرهنگی در ورزش فوتبال بوشهر دارد. این موفقیت را به دوانی و دیگر دست اندرکاران هیئت فوتبال بوشهر تبریک می گوییم.

۱



تازه به دوران رسیده ها بدانند که چقدر برای شاهین زحمت کشیده ایم

احمد رزمی پیشکسوت شاهین: چون حمید استیلی در کنار مربیان بزرگ کار کرده، به طبع آموخته های خوبی دارد که میتواند به فوتبال ما کمک کند. با توجه به این که فردی مثل حشمت مهاجرانی روی سر او خواهد بود ولی اگر پرویز مظلومی مربی شاهین می شد ۸۰ درصد بهتر از استیلی بود. در خصوص هم فکری با پیشکسوتان شاهین، با مهاجرانی نشستی خواهم داشت تا تازه به دوران رسیده های دور شاهین بدانند که ما چه قدر برای شاهین زحمت کشیده ایم. امیدواریم مسئولین استان مثل سال قبل از شاهین حمایت کامل داشته باشند.

۲



کادر فنی جدید شاهین تلفیقی از دانش و تجربه

نادر اقدام پیشکسوت فوتبال شاهین: کادر فنی جدید شاهین تلفیقی از دانش و تجربه است. در این بین تجربه مهاجرانی بیشتر به چشم می آید. ولی آن ها باید بدانند که در کجا دارند کار می کنند آن ها در جائی فعالیت می کنند که مردمانش همه فوتبال را به خوبی درک می کنند. در رابطه با پرویز مظلومی باید عرض کنم چون دستمان خالی بود نتوانستیم او را نگه داریم، چون با او توافق کردیم ولی قرارداد نبستیم. پس او هم آزادی کامل برای مانور داشت. تمام قراردادها می توانند توافق نامه باشند ولی هر توافق نامه ای نمی تواند قرارداد باشد. در هر صورت دوست دارم شاهین در لیگ دهم موفق باشد. مسئولین شاهین می بایست چند مربی بومی شاهین را در کنار کادر فنی جدید بگذارند ولو به صورت افتخاری .

۳



استیلی چیزی از حمید کللی فرد بیشتر ندارد

علی عبدالله زاده پیشکسوت فوتبال بوشهر: به نظر من استیلی چیزی از حمید کللی فرد بیشتر ندارد اما او از تهران می آید و کللی فرد بوشهری است. اگر مسئولین شاهین با مظلومی قرارداد امضاء می کردند او به سادگی به استقلال نمی رفت. با این که خود مظلومی صراحتا اعلام کرده بود اگر استقلال نشد به شاهین می آیم. به هر حال شاهین شد و کارد فنی جدید. امید است یکی دو مربی از بوشهر در کنار کادر جدید فعالیت کنند. اگر اینکار صورت نگیرد روح فوتبال بوشهر بیمار خواهد شد.

٤



لزوم حضور مربیان بوشهری در کنار استیلی

علیرضا حق پرست ورزش نویس: فوتبال بوشهر احتیاج به یک تغییر اساسی از لحاظ مربی داشت و آمدن کادر فنی شامل حمید استیلی و دیگر دوستانش نوید این را می دهد که روند خوبی را در تیم شاهین و فوتبال بوشهر داشته باشیم. به نظر من اگر در کنار این کادر فنی، مربیان بوشهری حضور داشتند به سود فوتبال بوشهر بود با این که همه انتظار آمدن پرویز مظلومی را می کشیدند، اما او قلب بوشهری ها را شکست. به هر حال دوست دارم و امیدوارم که مسئولین استان به مانند گذشته دست حمایت را از سر شاهین برندارند.

۵



خدا را شکر استیلی به تیم شاهین پیوست

عباس اعتمادی هوادار شاهین: پرویز مظلومی کار قشنگی با بوشهری ها انجام نداد و مردم بوشهر را سر کار گذاشت. انشاءالله بازی با استقلال جوابش را خواهیم داد. خدا را شکر سرمربی خوبی مثل حمید استیلی به تیم شاهین پیوست. او هم تجربه دارد و هم جوان است. امید است کنگانی از نیروهای بومی بیشتر در شاهین استفاده نماید. در پایان لیگ برتر همه دیدند که عروسی شاهین بوشهر برگزار شد، نه تشییع جنازه شاهین. امیدوارم کسانی که چشمانشان را می بندند و از روی عصبانیت مطلب می نویسند، امسال چشمان خود را اول بشویند و بعد قلم بدست بگیرند.

پشت دروازه فوتبال

مرزبان در شاهین



علیرضا مرزبان مربی اسبق پرسپولیس و استیل آذین تهران با موافقت استیلی به شاهین بوشهر پیوست. مرزبان یکی از مربیان با دانش ایران است که می تواند به شاهین کمک شایانی کند.

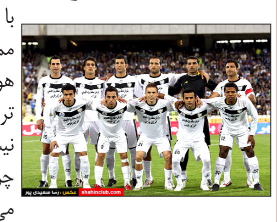
مطالبات شاهینی ها هنوز پرداخت نشده

دو میلیارد تومان بدهی شاهین به بازیکنانش پرداخت نگردیده است. مسئولین شاهین همواره به دنبال بذل عنایت وزارت نفت می باشند امید است نفتی ها تنور شاهین را در این گرمای تابستان گرم نمایند.

مهاجم تراکتور سازی در شاهین

با توافق اولیه مدیرعامل شاهین با ابراهیمی مهاجم شیرازی "تراکتورسازی" امید می رود که شاهین صاحب یک مهاجم کلاسیک شود. حالا باید دید که مسئولین شاهین در این مورد چه قدر سرکیسه را شل می کنند.

اردوی ترکیه ۵۰ میلیون تومان آب خواهد خورد

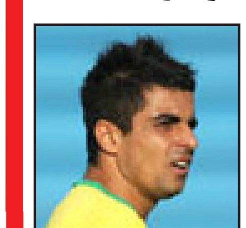


با توجه به این که مملکت خودمان آب و هوای بهتری نسبت به ترکیه دارد، مشخص نیست تیم های ایران چرا سر از ترکیه در می آورند. در این میان مربیان شاهین هم فیلشان یاد آنتالیا کرده، که با یک حساب سرانگشتی این اردو نزدیک ۵۰ میلیون تومان برای شاهین هزینه در بر خواهد بود.

آیا پایه های شاهین دیده می شوند

آیا بازیکنان تیم های رده جوانان و امید شاهین که سال پیش در استان قهرمان شدند در تیم شاهین جایگاهی خواهند داشت. با توجه به این که سال گذشته این رده ها با نامهربانی مواجه شدند، امید است امسال کنگانی در این خصوص حساسیت بیشتری از خود نشان دهد.

تنگسیر به دیار خود برگشت



ایمان حیدری مهاجم تنگسیری تیم راه آهن تهران که سابقه خوبی در لیگ برتر را دارد و در این لیگ همیشه گربه سیاه استقلال و پرسپولیس بود، در لیگ دهم به دیار خود یعنی بوشهر برگشت تا با تعصب مثال زدنی خود برای شاهین گلزنی کند.

کامیاب سرپرست شاهین شد



اصغر کامیاب ملی پوش و بازیکن اسبق پاس و شاهین بوشهر، که سال پیش یکی از دستیاران یاوری بود، امسال با عنوان سرپرست در شاهین فعالیت خواهد کرد. با توجه به این که استیلی اعلام کرده بود کامیاب دستیار اول من خواهد بود ولی خود کامیاب سرپرستی شاهین را پذیرفت.

پترویچ در پاس همدان



با این که قرار است ظرف امروز و فردا ایوان پتروویچ برای عقد قرارداد جدید وارد بوشهر شود، اما خبر می رسد که سرپرست تیم پاس همدان از توافق با پتروویچ خبر داده و گفته که با وی به توافق رسیده اند. انشاءالله که مسئولین شاهین از همدانی ها زرنگ تر باشند.

آیا مهاجرانی در بوشهر می ماند؟



با توجه به این که هدایتی مدیرعامل استیل آذین تهران علاقه خاصی به حشمت مهاجرانی دارد و به سادگی او را از دست نخواهد داد، بعید است او در امر پیوستن مهاجرانی به شاهین کوتاه بیاید. باید نشست و دید چه بلایی بر سر مهاجرانی خواهد آمد. آیا او در تهران خواهد ماند یا در دل گرما و زیر شرجی فعالیت خواهد کرد.